

منابع ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه

محسن رفعت

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

دیگران، امکان اجتهاد هم برایش وجود نخواهد داشت، افزون بر اینکه وی در علم حدیث و روایت، آهنگ پژوهش کرده است و بی‌شک ناگزیر از دریافت معلوماتی است که با آن بتواند به تحلیل حدیث بپردازد. متن حدیثی چون نهج البلاغه که سراسر تحلیل است و پژوهش، کسی را در مقام شرحش می‌طلبد که در علوم مختلف و متعدد مرکب علم تازانده باشد و انبانی از ادب، بلاغت، فصاحت، تاریخ، سیاست، اجتماع، عقاید و حدیث پر کرده باشد. هیچ شارح حدیثی نمی‌تواند برای فهم روایت تنها به اجتهاد خود تکیه کند، چرا که نیازمند لوازم و مقدماتی است که باید به آنها متوسل شود که اگر جزاین باشد، هیچ فهمی به سامان نبوده و پذیرشی در قبال آن وجود نخواهد داشت.

ابن ابی الحدید با توجه به انبان کتب کتابخانه شاهنشاهی بغداد و رابطه و نفوذش در دستگاه حکومت وقت، در شرح کلام امام علی (ع) از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و هر منبعی که نیاز او را در فهم روایت تأمین می‌کرده است، بدان دست یازیده تا بهتر بفهمد و برتر در یابد. در ادامه این مقاله، نام و برخی مشخصات تمام منابعی که در شارح در شرح نهج البلاغه از آن بهره جسته با استقصای کامل بیان خواهد شد.

در پاسخ به این سؤال که چه نیازی به برشمردن تمامی منابع هست، در حالی که برخی از این منابع برای شرح کلام امام (ع) نبوده و شارح جدای از بحث بدان پرداخته است؟ باید گفت: درست است که شارح گاه به نقل مطالبی می‌پردازد که شاید در بدو امر خارج از محدوده

چکیده: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، یکی از مهم‌ترین شروح و منابع تفسیری نهج البلاغه به شمار می‌رود. نویسنده در نوشتار حاضر کوشیده است تمامی منابع مورد استفاده ابن ابی الحدید در نگارش کتاب خود را مورد بررسی قرار دهد. از این رو، ابتدا منابع روایی، حدیثی، و سپس منابع تاریخی وی را برمی‌شمارد. در ادامه، از منابع لغوی، و منابع فلسفی، کلامی و عرفانی یاد می‌کند. نویسنده در نهایت، با بیان منابع متفرقه ابن ابی الحدید در موارد فقهی، نجومی و ...، نوشتار خود را به پایان می‌رساند. کلیدواژه: شرح ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، منابع تفسیری نهج البلاغه.

اشاره

نهج البلاغه از جمله کتبی است که از همان عصر تألیف توجه به این ضرورت، یعنی شرح آن در میان بزرگان و عالمان ایجاد شد. از همین رو نهج البلاغه بیشترین شرح را به خود اختصاص داده است.^۱ یکی از این شروح، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی است که از مهم‌ترین و نیکوترین شروح نهج البلاغه به شمار می‌رود. همچنین یکی از مهم‌ترین منابع تفسیر نهج البلاغه است. در این پژوهش سعی شده تمامی منابع وی مورد بررسی قرار گیرد.

پرواضح است که هر پژوهنده‌ای نیاز به اطلاعاتی جامع و پرمحتوا دارد تا بتواند پژوهش خود را به سامان برساند. حتی اگر پژوهش وی نقد دیگر اندیشه‌ها هم باشد، باز محتاج به اطلاع از همه سخنان پیش از خود است. ابن ابی الحدید نیز از این دست است و هر چند که در همه زمینه‌ها به اجتهاد خود متوسل می‌شود؛ اما بدون کسب اطلاعات از

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه شروح نهج البلاغه رک به: الذریعة، ج ۱۴، ص ۱۱۳ - ۱۱۶. مصادر نهج البلاغه و اسانیده، ج ۱، ص ۲۲۱ - ۲۷۳. شروح نهج البلاغه، ص ۳۵ - ۱۰۶. چشمه خورشید، ص ۴۳۲ - ۴۴۸.

۱. صحیفه سجادیه: کتابی که ادعیه امام سجاد (ع) در آن گردآوری شده است و ابن ابی الحدید از این کتاب گران سنگ غافل نمانده و از ادعیه آن در شرح خود استفاده کرده است.^۵

۲. ابوداود طیالسی: سلیمان بن داود بن الجارود مشهور به ابوداود طیالسی (متوفای ۲۰۳) صاحب مسند ابی داود^۶ گفته می‌شود کتاب وی، اولین مسند حدیثی اهل سنت است.^۷ شارح در برخی موارد نیز از او روایت نقل کرده است.^۸

۳. احمد بن حنبل: احمد محمد بن حنبل ابوعبدالله الشیبانی الوائلی، پیشوای مذهب حنبلی و یکی از ائمه اربعه، وی متولد ۱۶۴ هـ متوفای ۲۴۱ هـ بوده، مشهورترین اثر او «المسند» در بردارنده سی هزار حدیث است.^۹ شارح معتزلی بیشتر از سه کتاب مشهور او یعنی «فضائل الصحابة»، «فضائل الإمام علی» و «المسند» استفاده کرده است.

۴. بخاری: محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری از پیشوایان حدیث اهل سنت و صاحب الجامع الصحیح مشهور به صحیح بخاری.^{۱۱} ابن ابی الحدید در اکثر بیشتر موارد برای استناد به روایات (اعم از احادیث یا روایات تاریخی) از صحیح بخاری استفاده کرده است^{۱۲} و البته در یک مورد روایتی را از کتاب التاریخ الکبیر او نیز نقل می‌کند که جنبه روایی دارد.^{۱۳}

۵. مسلم بن حجاج: ابوالحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیسابوری، صاحب اثر مشهور صحیح مسلم و متوفای ۲۶۱.^{۱۴} شارح در کنار نقل از صحیح بخاری در موارد بسیاری از روایات کتاب مسلم نیز نقل روایت کرده است.^{۱۵}

۶. ابن قتیبة: شرح حال او ذیل منابع تاریخی خواهد آمد. شارح در نقل احادیث از وی، از دو کتاب غریب الحدیث و عیون الاخبار بهره گرفته است.^{۱۶} البته برخی منقولات وی تاریخی است؛ اما گاه احادیثی نیز

فهم کلام باشد؛ اما دقت در این نکته مهم است که تمام سعی و اهتمام وی بر آن بوده تا با قراردادن همه جانبه مخاطب در فضای کلی، القای سخن کلام امام (ع) بهتر درک شده و به فهمی برتر دست یابد. دستیابی به این درک بهتر برای مخاطب امروزی، نیازمند واکاوی در مصادر و منابعی است که شارح از آنها بهره برده است؛ چرا که از این طریق می‌توان به بخشی از زوایای پنهان ذهن شارح و دلایلی که او را به استفاده از این منبع خاص رهنمون کرده، دست یافت و به فهم شارح از کلام نزدیک تر شد و گاه با پی بردن به اشتباهات او به فهمی جدیدتر از کلام دست یافت. از سوی دیگر، آشنایی کامل با منابع شرح ما را در شناسایی منابع دست اول یا فرعی کتابخانه مهم بغداد در عصر زندگی شارح یاری رسانده، موضوع و محتوای آنها را نیز روشن می‌کند. چه بسا برخی کتب نزد شارح امروز موجود نباشد و یا بتوان برخی نواقص کتب برجای مانده را تکمیل کرد.

احمد ربیعی تمامی منابع ابن ابی الحدید را ۲۲۲ کتاب دانسته و آنها را چنین تقسیم بندی کرده است: ۱. منابعی که ابن ابی الحدید تنها به نام آنها تصریح کرده است. ۲. مصادری که علاوه بر اسم کتاب، نام مؤلف آن را نیز بیان کرده است. ۳. مصادری که تنها نام مؤلف آن را بیان، اما از عنوانش نامی نبرده؛ مثلاً می‌نویسد: جاحظ در یکی از تصنیفات خود گوید: ... ۴. منابعی که تنها نام کتاب آن را ذکر کرده؛ اما اثری از نام کتاب یا مؤلف آن نیست. ۵. مصادری که از قول افرادی که آن را دیده، نقل می‌کند، بدون اینکه نام کتاب یا مؤلف آن را ذکر کند.

گفتنی است احمد ربیعی مصادر دیگر که مربوط به اشعار، نامه‌ها و مکتوبات پیامبر (ص)، امام علی (ع) و خلفا بوده و برجای مانده را نیز ذکر کرده است.^۲ در ادامه منابع روایی، تاریخی، لغوی، کلامی و منابع متفرقه شارح با نمونه‌هایی همراه با معرفی اجمالی آنها بر شمرده خواهد شد.^۳

منابع روایی - حدیثی

درباره منابع روایی - حدیثی ابن ابی الحدید باید گفت اگر چه در بیشتر موارد احادیث وی بدون ذکر سند و منبع است؛^۴ اما گاه از یادکرد منابع حدیثی که در اختیار داشته غافل نمانده که اسامی آنها به ترتیب تاریخ و فیات مصنفانشان به این شرح است:

۲. العذیق التّضید بمصادر ابن ابی الحدید فی شرح نهج البلاغه، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.

۳. ذکر این نکته ضروری است که گاه ابن ابی الحدید از منبعی یادکرد تاریخی داشته است، در صورتی که آن منبع کلامی بوده و یا دیگر اختلاطها که در طول این دسته بندی به وجه غالب آن منبع توجه شده است. در ضمن شارح گاه از نام کتاب و گاه تنها از مصنف آن یاد می‌کند؛ ولی ما همگی را بر اساس نام مصنفان و یا نام کتب ترتیب می‌دهیم.

۴. گفتنی است شارح در بی شمار موارد نقل حدیث از منبع خود یاد نکرده است که این امر به تساهل وی در نقل هر روایتی از هر کتابی بدون ذکر منبع آن باز می‌گردد؛ اما آنچه در این فهرست ذکر می‌شود، مواردی است که شارح خود متذکر آن شده و این یادکرد توسط شارح غالباً به این دلیل بوده که یا منبعی مهم و جزء مصادر اصلی به شمار می‌رفته یا برای نقد و بررسی آن به کار آمده و یا مطلبش در تأیید نظر و یا اعتقاد خود شارح بوده است که این نکته در تمام منابع جاری است.

۵. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۷۸ - ۱۸۷.

۶. فهرست ابن ندیم، ص ۲۸۵. الأعلام، ج ۳، ص ۱۲۵.

۷. کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۶۷۹.

۸. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۹۴، ج ۴، ص ۱۱۷، ج ۱۳، ص ۲۲۹.

۹. فهرست ابن ندیم، ص ۲۵۸. وفيات الأعیان، ج ۱، ص ۶۳ - ۶۶. الأعلام، ج ۱، ص ۲۰۳.

۱۰. فضائل الصحابه: شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۳، ج ۹، صص ۱۷۰ و ۲۳۵. فضائل الإمام علی، ج ۶، صص ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۳، ۲۳۵، ۲۳۶، المسند، ج ۲، ص ۲۶۷، ج ۹، ص ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۱.

۱۱. الأعلام، ج ۶، ص ۳۴. فهرست ابن ندیم، ص ۲۸۶.

۱۲. شرح نهج البلاغه، ج ۲، صص ۲۲، ۵۴، ۲۹۴، ۲۹۵، ج ۴، ص ۶۴، ج ۶، صص ۱۲، ۴۶، ۵۱، ۵۶، ج ۹، ص ۲۸۶، ج ۱۲، صص ۱۷۷، ۱۸۷.

۱۳. همان، ج ۳، ص ۱۰۰.

۱۴. الأعلام، ج ۷، ص ۲۲۱.

۱۵. شرح نهج البلاغه، ج ۲، صص ۲۲، ۵۴، ۲۹۴، ج ۴، ص ۶۴، ج ۶، صص ۴۶، ۵۱، ۵۶، ج ۹، ص ۲۸۷، ج ۱۱، ص ۲۲۷، ج ۱۲، صص ۱۷۷، ۱۸۷.

۱۶. غریب الحدیث، همان، ج ۱، صص ۲۸۲، ۲۸۴، ج ۶، ص ۲۱۹، ج ۱۱، ص ۱۲۱، ج ۱۲، ص ۲۰، ج ۱۹، ص ۱۲۴ - ۱۳۹. عیون الاخبار، همان، ج ۱۰، ص ۲۰. نیز رک به: ج ۱۸، ص ۱۲۸.

نقل کرده و یا در جهت منبع و سند کلام امام (ع) از آن بهره برده است.^{۱۷}

۷. بیهقی: ابوبکر احمد بن الحسین بن علی از ائمه حدیث است. وی در سال ۳۸۴ در خسروجرد از روستاهای بیهق نیشابور متولد شد. او متوفای سال ۴۵۸ یا ۴۵۴.^{۱۸} شارح از دلائل النبوة کتاب کلامی وی و الصحیح که گمان می رود، همان السنن الکبری وی باشد به نقل روایت پرداخته است.^{۱۹}

۸. شیخ مفید: محمد بن محمد بن نعمان بن عبد السلام العکبری، معروف به ابن المعلم و ملقب به شیخ مفید (متوفای ۴۱۳) یادکرد روایی شارح از کتاب فقهی وی، یعنی المقنعة و در تاریخ نیز در یک مورد از الارشاد شیخ بهره جسته است.^{۲۰} البته در برخی موارد مشخص نکرده از کدام کتاب شیخ مفید نقل کرده است.^{۲۱}

۹. ابونعیم: ابونعیم احمد بن عبدالله بن احمد الاصفهانی، صاحب حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء از دیگر آثار معروف وی تاریخ اصفهان (متوفای ۴۳۰)^{۲۲} شارح معتزلی روایات منقول را از کتاب مشهور وی، یعنی حلیة الاولیاء ذکر می کند.^{۲۳}

۱۰. ابن عبد البر: شارح از الاستیعاب ابن عبد البر چنان که خواهد آمد، افزون بر نقل اخبار تاریخی، در نقل روایات منقول از پیامبر (ص) نیز بهره برده است. ناقل این روایات هم پیامبر اکرم (ص) و هم امام علی (ع) و دیگر ائمه و صحابی و... هستند.^{۲۴} نکته جالب اینکه در چند مورد از ابن عبد البر به عنوان «المحدث» یاد کرده است.^{۲۵}

۱۱. عبد الرزاق: عبد الرزاق ابن همام بن نافع الصنعانی و مکتبی به ابابکر (متوفی ۲۱۱) از پرکارترین محدثان اهل سنت است و از شیوخ، حدیث های بی شماری نقل کرده است.^{۲۶} برخی او را شیعه می خوانند؛ اما وی تنها محب امیر مؤمنان (ع) بوده و مبغض قاتلان او.^{۲۷} تنها کتاب به یادگار مانده از او المصنف است که شارح از آن به نقل روایت می پردازد.^{۲۸}

۱۲. ثعلبی نیشابوری: ابواسحاق احمد بن یحیی (متوفای ۴۲۷) کتاب

۱۷. همان، ج ۱۹، ص ۲۷۱.

۱۸. وفيات الأعیان، ج ۱، ص ۷۶. الأعلام، ج ۱، ص ۱۱۶. اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۵۶۸. الکنی و الألقاب، ج ۲، ص ۱۱۵.

۱۹. رک به: شرح نهج البلاغه، دلائل النبوة، ج ۱۳، ص ۲۱۴. الصحیح، ج ۹، ص ۱۶۸.

۲۰. همان، المقنعة، همان، ج ۴، ص ۴، ج ۱۲، ص ۲۴۳، ج ۱۷، ص ۲۶. الارشاد، ج ۱۴، ص ۱۳۲.

۲۱. همان، ج ۲، ص ۱۶۵، ج ۳، ص ۹۸، ج ۱۴، ص ۱۳۲، ج ۱۵، ص ۱۰۰.

۲۲. الأعلام، ج ۱، ص ۱۵۷. الذریعة، ج ۷، ص ۸۱.

۲۳. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۳، ج ۲، ص ۱۹۵، ج ۹، صص ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۴.

۲۴. همان، ج ۴، ص ۹۵-۹۶، ج ۴، ص ۱۱۶-۱۲۰، ج ۱۰، ص ۱۰۶، ج ۱۵، صص ۷۳، ۱۰۰، ۱۷، ص ۲۳۸، ج ۲۰، ص ۱۰۲.

۲۵. همان، ج ۴، ص ۹۵؛ ج ۴، ص ۱۱۶؛ ج ۱۰، ص ۱۰۲؛ ج ۱۳، ص ۱۰۶؛ ج ۱۳، ص ۳۰۳.

۲۶. تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۲۷۸. تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۶۴.

۲۷. تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۳۶۴.

۲۸. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۱۸، ج ۱۳، ص ۲۳۳، ج ۱۶، ص ۲۲۸.

الکشف و البیان فی تفسیر القرآن^{۲۹}

همان گونه که مشخص شد، شارح از ۱۷ اثر و کتاب ۱۲ محدث به نقل حدیث پرداخته است.

منابع تاریخی^{۳۰}

گاه بهره شارح از منبعی اندک بوده؛ ولی با این حال چون بنا بر استقصای کامل بوده است، این گونه منابع نیز ذکر شده اند.

۱. ابن الحنفیة: الحسن بن علی بن محمد بن الحنفیة (متوفای ۹۹)^{۳۱} از رساله فی الإرجاء.^{۳۲}

۲. موسی بن عقبه: أبو محمد موسی بن عقبه بن أبی عیاش الأسدی. وی متوفای ۱۴۱ هـ بوده و مشهورترین کتاب او المغازی است.^{۳۳} شارح در سه نقل با واسطه ابن عبد البر در الاستیعاب، از موسی بن عقبه روایاتی تاریخی نقل کرده^{۳۴} و تنها در یک مورد از کتاب المغازی او در مورد حضور یا عدم حضور ابوبکر در سپاه اسامه بهره برده است.^{۳۵}

۳. کلبی: أبو النضر محمد بن السائب بن بشر الکلبی از اصحاب امام باقر و امام صادق (متوفای ۱۴۶)^{۳۶} شارح کتابی برای وی نام نمی برد و در تراجم و فهرست ها نیز نام کتاب تاریخی برایش یافت نمی شود؛ اما منقولات او بسیار است.^{۳۷}

۴. عوانة بن حکم: أبو الحکم عوانة بن الحکم بن عوانة بن عیاض که در سال ۱۴۷ درگذشت.^{۳۸} کتابی که شارح معتزلی برای او نام می برد الشوری و مقتل عثمان است که در کتب تراجم به آن اشاره ای نشده است.^{۳۹}

۵. محمد بن اسحاق: أبو عبد الله محمد بن إسحاق بن یسار به سال ۱۵۱ وفات یافت. کتاب السیرة و المغازی از آن اوست که شارح نیز در مواردی متعدد از آن یاد کرده است و در برخی مواضع آن را المغازی گفته است.^{۴۰} ابن ابی الحدید درباره این کتاب و مؤلفش می گوید: «کتاب او کتاب مورد اعتماد در نظر همه مورخان و ارباب حدیث است»

۲۹. همان، ج ۹، ص ۱۷۴.

۳۰. در مورد منابع تاریخی ذکر این نکته ضروری است که گاه منبع مورد استناد شارح، راوی یا شخص تاریخدان است و نه کتاب او که موارد آن ذکر شده است.

۳۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۱۳۰.

۳۲. همان، ج ۸، ص ۱۲۰.

۳۳. تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۴۸. سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۱۵. الأعلام، ج ۷، ص ۳۲۵.

۳۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۴۵، ج ۲۰، صص ۳۵، ۱۱۲.

۳۵. همان، ج ۱۷، ص ۱۸۳.

۳۶. الذریعة، ج ۱، ص ۴۱.

۳۷. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۵۸، ج ۱، ص ۳۰۸، ج ۱، ص ۲۷۰، ج ۲، ص ۱۶، ج ۲، ص ۱۴۳، ج ۵، ص ۲۲۸.

۳۸. فهرست ابن ندیم، ص ۱۰۳.

۳۹. شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۴۹-۵۸.

۴۰. وفيات الأعیان، ج ۴، ص ۲۷۶-۲۷۷. الأعلام، ج ۶، ص ۲۸.

۱۰. محمد بن عمرو واقدی: أبو عبد الله محمد بن عمر بن واقد السهمی الأسلمی الواقدی در سال ۲۰۷ درگذشت.^{۵۷} شارح از شش کتاب او نام برده که یکی از آنها موجود و پنج کتاب دیگر جزء آثار مفقوده است که از طریق شرح ابن ابی الحدید به آنها دست می‌یابیم. کتاب موجود کتاب المغازی^{۵۸} و پنج کتاب مفقوده عبارتند از کتاب الشوری^{۵۹}، کتاب الدار^{۶۰}، کتاب الجمل^{۶۱}، کتاب صفین^{۶۲} و تاریخ الواقدی.^{۶۳}

۱۱. هیشم بن عدی: ابو عبد الرحمن الهیثم (بن عدی) الثعلبی در ۲۰۷ درگذشت. دو کتاب او عبارتند از: المثالب الصغیر والمثالب الکبیر^{۶۴} که مشخص نیست شارح از کدامی ک از این دو بهره جسته است. در دیگر موارد نیز از دیگر کتب تاریخی نقل می‌کند؛^{۶۵} اما کتابی که به صراحت از آن نام می‌برد و مطلب نقل می‌کند، مثالب العرب است.^{۶۶}

۱۲. ابو عبیده معمر بن مثنی: أبو عبیده معمر بن مثنی. تاریخ وفاتش را بین ۲۰۷ و ۲۱۳ گفته‌اند،^{۶۷} ابن ابی الحدید از پنج کتاب او در شرح خود بهره برده است که عبارتند از: المثالب^{۶۸}، مقاتل الفرسان^{۶۹}، القبائل^{۷۰}، کتاب النجاج^{۷۱} و الانساب.^{۷۲}

۱۳. نصر بن مزاحم: أبو الفضل نصر بن مزاحم بن سیار المنقری التمیمی الکوفی.^{۷۳} ابن ابی الحدید از کتاب صفین در موارد فراوانی که قصد شرح واقعه صفین را دارد استفاده کرده که به وفور در جلد های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۵ و ۱۷ قابل ملاحظه است.^{۷۴}

و مصنف آن شیخ همه مردم است».^{۴۱} کتاب دیگر محمد بن اسحاق که شارح از آن نام نبرده؛ اما از آن مطلب نقل می‌نماید کتاب الخلفاء است. نقل وقایعی همچون وفات ابوذر و... از این کتاب است.^{۴۲ و ۴۳}

۶. شرقی بن القطامی: الولید بن الحصین مکنی ابوالمثنی الکلبی، ادیب و نسابه مشهور که متوفای تقریبی سال ۱۵۵ است. ابوجعفر منصور خلیفه عباسی از او خواست تا به بغداد رفته و به پسرش مهدی تعلیم دهد.^{۴۴} ابن ابی الحدید کتابی برای او نام نمی‌برد؛ ولی بدون واسطه از خودش به نقل تاریخ می‌پردازد.^{۴۵}

۷. ابومخنف: لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف الأزدی الغامدی.^{۴۶} شارح وی را از شیعه نمی‌داند و در بخشی در مورد مذهب وی می‌گوید: «ابومخنف غیر شیعه است و درباره امامت قائل به انتخاب است نه نص»، ولی با وجود این سابقه مذهبی، اشعاری را مربوط به وصایت امیرالمؤمنین (ع) ذکر کرده است.^{۴۷} ابن ابی الحدید بیشتر درباره رخداد جمل از او به نقل روایت می‌پردازد و از کتاب الجمل یا وقعة الجمل وی نام می‌برد.^{۴۸}

۸. زبیر بن بکار: ابو عبد الله الزبیر بن بکار بن عبد الله القرشی الأسدی المکی. شارح درباره او چنین می‌گوید: «زبیر بن بکار هرگز متهم به دشمنی با معاویه نبوده و آنچنان که از احوال او و کناره‌گیری او از فضایل علی (ع) معلوم می‌شود، هیچ‌گونه نسبتی هم با عقاید شیعه ندارد»^{۴۹} وی از سه کتاب زبیر در شرح تاریخی نهج بهره می‌برد: الموفقیات^{۵۰}، المفارجات^{۵۱} و أنساب قریش.^{۵۲}

۹. ابن کلبی: أبو المنذر هشام بن أبی النصر محمد ابن السائب بن بشر الکلبی الکوفی. در سال ۲۰۴ یا ۲۰۶ وفات یافت،^{۵۳} شارح از کتاب جمهره النسب^{۵۴}، و الجمل^{۵۵} و أخبار صفین^{۵۶} نام برده است.

۵۷. فهرست ابن ندیم، ص ۱۱۱. الأعلام، ج ۶، ص ۳۱۱. الکنی والألقاب، ج ۳، ص ۲۷۹.
۵۸. شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۹، ج ۱۴، ص ۱۵۷.
۵۹. همان، ج ۹، ص ۱۵.
۶۰. همان و نیز بزرگ به: ج ۲، ص ۱۳۴، ج ۳، ص ۷، ج ۱۰، صص ۱۰۳، ۷.
۶۱. همان و نیز بزرگ به: ج ۱، ص ۲۵۳ - ۲۵۶ و ۲۶۲، ج ۴، صص ۴۶، ۶۲، ج ۷، ص ۲۸۴، ج ۱۳، ص ۹، ج ۱۴، ص ۱۸، ج ۱۳، ص ۶۸. گفتنی است شارح به صراحت از کتاب الجمل وی نام نبرده؛ اما از مطالبی که وی درباره جنگ جمل نقل کرده می‌توان دریافت از کتاب او نقل مطلب نموده است.
۶۲. همان، ج ۲، ص ۲۶۷، ج ۵، ص ۲۲۸.
۶۳. همان، ج ۲، ص ۷۲، ج ۶، ص ۱۹، ج ۶، صص ۱۶۰، ۱۶۵، ج ۱۶، صص ۱۸۱، ۲۸۰.
۶۴. فهرست ابن ندیم، ص ۱۱۲. الأعلام، ج ۸، ص ۱۰۴.
۶۵. شرح نهج البلاغه، ج ۲، صص ۲۹، ۲۷، ج ۳، ص ۱۲۱، ج ۷، ص ۱۳۱، ج ۱۵، ص ۲۴۵، ج ۱۸، ص ۹۴، ج ۱۹، ص ۳۹۴، ج ۲۰، ص ۲۱۵.
۶۶. همان، ج ۱۱، ص ۶۷.
۶۷. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۱۱۱. الأعلام، ج ۷، ص ۲۷۲.
۶۸. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۲.
۶۹. همان، ج ۱۲، ص ۱۱۲. شاید نام کامل این کتاب طبقات الشجعان و مقاتل الفرسان باشد که ابن ابی الحدید در جای دیگری از شرح بدون نام مؤلف از آن یاد کرده است (ج ۱۵، ص ۱۳۱).
۷۰. همان، ج ۶، ص ۱۹.
۷۱. همان، ج ۱۵، ص ۱۲۶ و نیز بزرگ به: ج ۱۸، ص ۵۶.
۷۲. همان، ج ۶، ص ۲۸۴.
۷۳. فهرست ابن ندیم، ص ۱۰۶. الفهرست طوسی، ص ۲۵۵. الأعلام، ج ۸، ص ۲۸. الذریعة، ج ۱، ص ۳۴۷.
۷۴. همان، ج ۳، ص ۲۰۶ و نیز بزرگ به: ج ۴، ص ۱۴-۳۰، ج ۵، ص ۱۷۵-۲۵۳، ج ۶، ص ۳۱۲-۳۱۳، ج ۱۵، ص ۷۵، ج ۱۷، ص ۱۵ و ۱۶.

۴۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۵۲.
۴۲. رک به: المدخل الی دراسة مصادر التیوریه والتاریخ الاسلامی، ص ۲۷۷ - ۲۸۲.
۴۳. برای مطالعه بیشتر بزرگ به: شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۱۸، ج ۱۰، ص ۷۸، ج ۱۳، ص ۲۱۴، ج ۱۴، صص ۹، ۱۷۸، ج ۱۴، ص ۵۵، ج ۱۵، ص ۳۵، ج ۱۸، ص ۱۶.
۴۴. فهرست ابن ندیم، ص ۱۰۲. الأعلام، ج ۸، ص ۱۲۰.
۴۵. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۹۳ و ج ۱۹، ص ۴۲۱.
۴۶. الأعلام، ج ۵، ص ۲۴۵. فهرست ابن ندیم، ص ۱۰۶. الکنی والألقاب، ج ۱، ص ۱۵۵. فوات الوفیات و الذیل علیها، ج ۲، ص ۲۳۸.
۴۷. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۷.
۴۸. همان، ج ۶، ص ۲۱۵، ج ۲، ص ۱۸۷، ج ۳، ص ۱۷، ج ۴، ص ۱۰، ج ۹، ص ۱۱۱، ج ۱۲، ص ۲۶۵، ج ۱۴، ص ۸.
۴۹. همان، ج ۵، ص ۱۲۹.
۵۰. همان، ج ۱۰، ص ۲۳۳، ج ۶، ص ۱۷، ج ۹، ص ۱۸، ج ۱۲، ص ۵۰، ج ۱۷، ص ۹۸.
۵۱. همان، ج ۶، ص ۲۸۵.
۵۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۱۰ - ۲۲۳، ج ۱۶، ص ۹، ج ۲۰، صص ۱۰۷ و ۱۳۷.
۵۳. فهرست ابن ندیم، ص ۱۰۸. کشف الظنون، ج ۱، صص ۱۷۹ و ۶۵۰. الذریعة، ج ۱، صص ۳۴۵، ۳۴۵، ۳۲۴. الکنی والألقاب، ج ۳، ص ۱۱۸.
۵۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۹۳، ج ۳، صص ۱۱۸، ۱۲۷، ج ۶، ص ۳۱۶، ج ۱۶، ص ۱۹۳.
۵۵. همان، ج ۶، ص ۲۱۸.
۵۶. همان، ج ۴، ص ۶۱، ج ۵، ص ۲۲۷ - ۲۲۸، ج ۶، ص ۳۱۶.

خود نام برده است مانند البیان والتبیین، مفاخرات قریش، مفاخرة هاشم و عبد شمس، کتاب السفیانیة، کتاب العثمانیة، کتاب العباسیة، التوحید و کتاب الحیوان^{۸۵} که البته موضوع کتاب اخیر تشریح حیوانات است. شارح معتزلی در جایی از کتابی از جاحظ با این تعبیر نام می‌برد: «الکتاب الذی آورد فیہ المعاذیر من احداث عثمان» که به احتمال همان کتاب^{۸۶} العثمانیة است. از برخی نیز بدون ذکر نام بهره گرفته است؛ مانند الرسائل السیاسیة که البته برخی نقل‌های تاریخی آن را در الرسائل السیاسیة می‌توان یافت که تنها از جاحظ نام برده نه کتابش^{۸۷}.

۲۰. عمر بن شبة: أبوزید عمر بنشبة زید بن عبیده بن ریطة نمیری، سال ۲۶۲ در سامرا درگذشت.^{۸۸} شارح بدون ذکر نام کتاب او در شرحش، از وی به نقل اخبار می‌پردازد.^{۸۹}

۲۱. بلاذری: أبوجعفر (ابوالحسن) أحمد بن یحیی بن جابر بن داود البغدادی، متوفای سال ۲۷۹.^{۹۰} شارح از دو کتاب تاریخ الاشراف^{۹۱} و انساب الاشراف^{۹۲} برای بلاذری نام می‌برد.

۲۲. احمد بن ابی طاهر: ابوالفضل أحمد بن ابی طاهر طیفور خراسانی، متوفای ۲۸۰.^{۹۳} روایات وی در شرح از دو کتاب تاریخ بغداد و اخبار الملوک است.^{۹۴}

۲۳. ابراهیم بن دیزیل: ابراهیم بن دیزیل کسائی همدانی حافظ متوفای ۲۸۱.^{۹۵} شارح از کتاب صفین وی نقل می‌کند.^{۹۶}

۸۵. البیان والتبیین: شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۷۵، ۲۷۶، ج ۲، ص ۱۷۵، ج ۵، ص ۵۱، ۳۶، ۱۴۷، ج ۷، ص ۸۸ و ۲۳۶، ج ۱۲، ص ۱۰۸، ج ۱۳، ص ۱۳، مفاخرات قریش، ج ۱۱، ص ۶۸، مفاخرة هاشم و عبد شمس، ج ۱۸، ص ۲۸۵، ج ۶، ص ۱۵۶، کتاب السفیانیة، ج ۱، ص ۱۸۶، ج ۸، ص ۲۵۷، کتاب العثمانیة، ج ۱۳، ص ۲۱۵، کتاب العباسیة، ج ۱۶، ص ۲۶۳، التوحید، ج ۲۰، ص ۳۱، کتاب الحیوان، ج ۹، ص ۲۷۷، ج ۱۳، ص ۵۷، ۶۷، گفتنی است از کتاب العثمانیة به صراحت نام نبرده؛ اما از مطالب منقول از آن مشخص می‌شود که از کتاب عثمانیة نقل کرده است. وی درباره این کتاب می‌گوید: «شیخ ما ابو عثمان جاحظ در کتابی که در آن بهانه‌هایی برای بدعت‌ها و نوآوری‌های عثمان آورده است، می‌نویسد: علی بیمار شد، عثمان از او عیادت کرد و علی (ع) این بیت را خواند: «چه بسیار دیدارکننده که بدون دوستی به عیادت می‌آید و دوست می‌دارد که کاش بیمار رنجور درگذرد». همان، ج ۹، ص ۲۲.

۸۶. همان، ج ۹، ص ۲۲.

۸۷. همان، ج ۵، ص ۲۳۶، الرسائل السیاسیة، ص ۴۲۱.

۸۸. الأعلام، ج ۵، ص ۲۴۸.

۸۹. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۲.

۹۰. الأنساب، ج ۱، ص ۶، الأعلام، ج ۱، ص ۲۶۷، الکنی والألقاب، ج ۲، ص ۹۳.

۹۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۴۴، همین عبارت در نسخه کتاب انساب الاشراف موجود نیز آمده است. رک به: انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۰۰، برای دیگر موارد تاریخ الاشراف در شرح، رک به: ج ۱، ص ۲۳، ج ۱۶، ص ۲۸۰.

۹۲. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۴۶-۲۴۷.

۹۳. الأعلام، ج ۱، ص ۱۴۱، الذریعة، ج ۳، ص ۱۴۲، ج ۷، ص ۲۸۸، ج ۲۶، ص ۱۲۶، کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۸۱، فهرست ابن ندیم، ص ۱۶۳.

۹۴. تاریخ بغداد: شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۲۱ و نیز رک به: ج ۱۹، ص ۱۵۲، اخبار الملوک، ج ۱۰، ص ۱۰۱.

۹۵. لسان المیزان، ج ۱، ص ۴۹، الوافی بالوفیات، ج ۵، ص ۲۲۷.

۹۶. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۴۱ و نیز رک به: ج ۳، ص ۲۰۶، ج ۵، ص ۲۵۴.

۱۴. ابن قتیبه: أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتیبة دینوری یا مروزی.^{۹۵} شارح از دو کتاب ابن قتیبه در زمینه تاریخ، یعنی عیون الاخبار^{۹۷} و المعارف^{۹۷} بهره گرفته است.

۱۵. أبو الحسن مدائنی: علی بن محمد بن عبد الله، أبو الحسن المدائنی. وفات وی به سال ۲۲۵ است.^{۹۸} شارح از هشت کتاب او در تاریخ به نقل اخبار می‌پردازد که عبارتند از: کتاب الفتوح، مقتل عثمان، کتاب الجمل، کتاب صفین، کتاب الخوارج، کتاب الأمثال، کتاب الأحداث و کتاب أمهات الخلفاء. غیر از این موارد، کتاب دیگری از او نیز در شرح یاد شده است با عنوان کتاب الأكلة که درباره تاریخ نیست و چنان که از نامش پیداست مربوط به خوراک است؛ ولی استفاده‌ی شارح از آن به گونه‌ای تاریخی است.^{۹۹}

۱۶. محمد بن سلام: أبو عبد الله محمد بن سلام بن عبید الله الجمحی، متوفای ۲۳۲، صاحب کتاب طبقات الشعراء که شارح از کتاب وی در زمینه تاریخ و شعر و شاعری بهره برده است.^{۸۰}

۱۷. اسکافی: محمد بن عبد الله، ابوجعفر اسکافی متوفای ۲۴۰ است. کتب نقض العثمانیة، المقامات و التفضیل^{۸۱} از او بوده و شارح از آنها بهره برده است. هر چند شهرت اسکافی در کلام است؛ اما شارح در چندین مورد در موضوعات تاریخی نیز از او روایت آورده است.

۱۸. ابوجعفر محمد بن حبیب: أبو جعفر محمد بن حبیب بن أمیة بن عمر بغدادی که حدود ۲۴۵ درگذشت.^{۸۲} شارح از کتاب امالی وی در شرح نام می‌برد؛ ولی با این حال در شرح حال وی، چنین نامی برای هیچ یک از تألیفات وی ذکر نشده است. همچنین در برخی موارد نیز نام کتاب او را ذکر نکرده که با توجه به شیوه‌ی شارح نباید کتابی جز امالی مقصود وی باشد.^{۸۳}

۱۹. ابو عثمان جاحظ: عمرو بن بحر أبو عثمان، مشهور به جاحظ، در ۲۵۵ درگذشت.^{۸۴} ابن ابی الحدید معتزلی از چند کتاب او در شرح

۷۵. فهرست ابن ندیم، ص ۸۵، وفیات الأعیان، ج ۳، ص ۴۳، الکنی والألقاب، ج ۱، ص ۳۸۴.

۷۶. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۰۷، ج ۱۸، ص ۱۲۸، ج ۱۰، ص ۲۰.

۷۷. همان، ج ۳، ص ۱۱۷، ج ۴، ص ۶۹، ج ۱۰، ص ۱۰۵، ج ۱۹، ص ۲۱۸.

۷۸. فهرست ابن ندیم، ص ۱۱۳، الأعلام، ج ۴، ص ۲۴۵، الکنی والألقاب، ج ۳، ص ۱۶۹.

۷۹. شرح نهج البلاغه، کتاب الفتوح، ج ۹، ص ۹۷، مقتل عثمان، ج ۱۰، ص ۶-۷، کتاب الجمل، ج ۶، ص ۲۱۵، کتاب صفین، ج ۲، ص ۲۴۶-۲۴۸، ج ۶، ص ۱۳۴، کتاب الخوارج، ج ۲، ص ۲۷۱، کتاب الأمثال، ج ۴، ص ۱۲۶، کتاب الأحداث، ج ۱۱، ص ۴۴، أمهات الخلفاء، ج ۱۱، ص ۶۹، کتاب الأكلة، ج ۱۸، ص ۳۹۸.

۸۰. همان، ج ۶، ص ۱۴۶، ج ۲۰، ص ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۵، ۱۶۷.

۸۱. نقض العثمانیة، همان و نیز رک به: ج ۴، ص ۶۳، ج ۷، ص ۴۶، ج ۱۱، ص ۱۴، ج ۱۳، ص ۲۱۹، المقامات، ج ۱۷، ص ۱۳۱، التفضیل، ج ۴، ص ۷۳.

۸۲. فهرست ابن ندیم، ص ۱۱۹، الأضنام (تکنیساً للأضنام)، مقدمه مترجم، ص ۱۱، المنمقفی اخبار قریش، ص ۶، الأعلام، ج ۶، ص ۷۸.

۸۳. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۸۳، ج ۱۳، ص ۴۲، ج ۱۳، ص ۲۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۰، ج ۱۵، ص ۵۴، ج ۱۶، ص ۱۰، ج ۱۰، ص ۱۸۲.

۸۴. الأعلام، ج ۵، ص ۷۵.

۳۱. ابوالقاسم بلخی: نصر بن الصباح ابوالقاسم بلخی متوفای ۳۱۹،^{۱۰} وی با اینکه از متکلمین معتزله است؛ اما ابن ابی الحدید از وی افزون بر مطالب کلامی و^{۱۱} تاریخی (از کتاب المقالات وی)، مطالبی تحلیلی از تاریخ نیز نقل کرده که شایسته توجه است. البته برخی مطالب تاریخی که از بلخی نقل کرده در میان مطالب کلامی یافت می‌شود.^{۱۲}

۳۲. ابوبکر ابن درید: ابوبکر محمد بن حسن بن درید، متوفای ۳۲۱.^{۱۳} شارح در اندکی موارد از کتاب امالی او در تاریخ بهره گرفته است.^{۱۴}

۳۳. نبطویه: أبو عبد الله إبراهيم بن محمد بن عرفة بن سليمان عتکی،^{۱۵} متوفای ۳۲۲ که ابن ابی الحدید از آن تنها در یک مورد به نقل اخبار پرداخته است.^{۱۶}

۳۴. ابوبکر جوهری: ابوبکر أحمد بن عبد العزيز الجوهری بصری بغدادی، متوفای ۳۲۳. بیشتر کسانی که درباره‌اش مطلبی نوشته‌اند، به نقل ابن ابی الحدید و توثیق وی استناد کرده‌اند. کتاب مشهور او السقیفة و فذک است که شارح از آن نقل کرده است.^{۱۷}

۳۵. ابوبکر انباری: ابوبکر محمد بن القاسم بن بشار الانباری،^{۱۸} شارح معتزلی از اقوال تاریخی وی در غافل نمانده و مواردی را نقل کرده است.^{۱۹}

۳۶. قدامة بن جعفر: أبو الفرج قدامة بن جعفر بن قدامة بن زیاد البغدادی، متوفای ۳۳۷.^{۲۰} شارح معتزلی از کتاب الخراج که گویا نام دیگر آن تاریخ قدامة نقل کرده است.^{۲۱} البته شارح از آن با نام الخراج یاد کرده است. وی مطالبی چند از تاریخ بیان می‌دارد.^{۲۲}

۳۷. مسعودی: ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی متوفای

۲۴. ابن هلال ثقفی: أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن سعيد بن هلال ثقفی کوفی متوفای سال ۲۸۳.^{۲۳} شارح از کتاب الغارات و المعرفة وی نام برده است.^{۲۴}

۲۵. مبرد: أبو العباس محمد بن يزيد بن عبد الاكبر الثمالي الأزدی معروف به مبرد، متوفای ۲۸۵ یا ۲۸۶.^{۲۵} بهره ابن ابی الحدید از کتاب ادبی وی، یعنی الكامل فی اللغة و الادب بسیار بوده و اکثرا اقوال تاریخی از آن است.^{۲۶}

۲۶. ثعلب: ابوالعباس احمد بن يحيى بن زيد بن سيار الشيباني متوفای ۲۹۱. کتابی که شارح معتزلی آن را منبع تاریخی خود قرار داده است، المجالس اوست که ابن ابی الحدید در شرح خود از آن با عنوان الامالی یاد کرده است.^{۲۷}

۲۷. ابوعلی: محمد بن عبد الوهاب بن سلام الجبائی معروف به أبو علی، متوفای ۳۰۳.^{۲۸} در نقل اخبار تاریخی از وی، نام کتب او را به میان نمی‌آورد.^{۲۹}

۲۸. طبری: أبو جعفر محمد بن جریر بن يزيد الطبري، متوفای ۳۱۰.^{۳۰} شارح از کتاب تاریخ او یاد می‌کند.^{۳۱}

۲۹. طبری آملی: أبو جعفر محمد بن جریر بن رستم الطبري الأملی. وی در اوایل قرن چهارم می‌زیسته است.^{۳۲} وی در موردی دیگر با نقدی بر گفته طبری در مورد پدر ابوبکر، از او و کتابش یاد کرده است.^{۳۳}

۳۰. أبو العباس ثقفی: احمد بن عبید الله بن محمد بن عمار أبو العباس الثقفی، متوفای ۳۱۴ هـ.^{۳۴} ابن ابی الحدید تصریح نکرده از کدام کتاب او مطلب نقل می‌کند؛ اما مطالب منقول از او در روایات غلو در مورد علی (ع) و جریان‌های عبدالله بن سبا و... است.^{۳۵}

۱۱۰. الغدیر، ج ۷، ص ۸۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۷ - ۸.

۱۱۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۲.

۱۱۲. همان، ج ۴، ص ۸۰، و نیز زرک به: ج ۱، ص ۱۴، ج ۲، ص ۲۴، ۶۴، ۲۹۵، ج ۴، ص ۸۰، ۸۲ و ۱۰۶، ج ۱۴، ص ۶۵.

۱۱۳. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۱۷۳. الأعلام، ج ۶، ص ۸۰.

۱۱۴. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۵۳ و نیز زرک به: ج ۵، ص ۲۴.

۱۱۵. فهرست ابن ندیم، ص ۹۰. الأعلام، ج ۱، ص ۶۱.

۱۱۶. شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۶.

۱۱۷. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۸ و نیز زرک به: ج ۲، ص ۴۴، ج ۴، ص ۷۰، ج ۸، ص ۲۵۲، ج ۹، ص ۳، ج ۱۶، ص ۲۱۰. گفتنی است شارح در دو جا از کتاب وی با نام اخبار السقیفة یاد می‌کند (همان، ج ۹، ص ۳ و ۲۱).

۱۱۸. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۲۷۴.

۱۱۹. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۶۱ و نیز زرک به: ج ۱، ص ۳۲۰، ج ۲، ص ۲۶۱، ج ۱۲، ص ۸۱، ج ۲۰، ص ۲۱۵.

۱۲۰. الأعلام، ج ۵، ص ۱۹۱.

۱۲۱. الذریعة، ج ۳، ص ۲۷۵.

۱۲۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۲۸۷ و نیز زرک به: ج ۱، ص ۲۱۶، ج ۸، ص ۲۸۵، ج ۱۲، ص ۲۸۸.

۹۷. الغارات، ج ۱، ص ۲ - ۶. فهرست طوسی، ص ۳۱. فهرست ابن ندیم، ص ۲۷۹. الکنی و الألقاب، ج ۲، ص ۱۳۲. الذریعة، ج ۱، ص ۲۸۵. رجال النجاشی، ص ۱۸.

۹۸. الغارات: شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۶ و ۸۵ و نیز زرک به: ج ۲، ص ۲۸۶، ج ۳، ص ۱۲۷، ج ۴، ص ۹۴، ج ۶، ص ۵۶. المعرفة، ج ۱۶، ص ۲۸۲.

۹۹. الکنی و الألقاب، ج ۳، ص ۱۳۵. الأعلام، ج ۷، ص ۱۴۴. الوافی بالوفیات، ج ۵، ص ۱۴۲.

۱۰۰. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۱۴۵، ج ۱۰، ص ۱۲۱، ج ۱۵، ص ۱۳۳.

۱۰۱. همان، ج ۶، ص ۳۲۶ و نیز: ج ۶، ص ۳۰۳.

۱۰۲. الأعلام، ج ۶، ص ۲۵۶.

۱۰۳. شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۶۱ و رک به: ج ۸، ص ۲۶۱، ج ۱۶، ص ۲۲۶.

۱۰۴. فهرست طوسی، ص ۲۲۹. کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۸۹. الکنی و الألقاب، ج ۱، ص ۲۴۲. الأعلام، ج ۶، ص ۶۹.

۱۰۵. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۸ و ۳۷. و نیز زرک به: ج ۱، ص ۱۹۰، ج ۲، ص ۲۱، ج ۶، ص ۱۵۶، ج ۸، ص ۱۲۹.

۱۰۶. کتابخانه سید بن طاووس، ص ۲۳۱.

۱۰۷. همان، ج ۱۱، ص ۶۹ - ۷۰.

۱۰۸. الأعلام، ج ۱، ص ۱۶۶. الوافی بالوفیات، ج ۷، ص ۱۱۴ - ۱۱۵.

۱۰۹. شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۵ - ۷.

دیگران جامع التواریخ است.^{۱۳۷} شارح در یک موضع از کتاب تنوخی یاد کرده است.^{۱۳۸}

۴۷. أبو إسحاق صابی: إبراهيم بن هلال بن إبراهيم ابواسحاق صابی حرانی، معاصر شریف رضی، متوفای ۳۸۴. صاحب الکتاب النجاشی که شارح در مورد خوارج از او مطالبی نقل کرده است.^{۱۳۹}

۴۸. ابو حیان توحیدی: علی بن محمد بن عباس مشهور به ابو حیان توحیدی، متوفای ۴۰۰. وی کتابی کلامی با عنوان الاشارات الالهیه دارد.^{۱۴۰} و دو کتاب تاریخی البصائر و الذخائر و تقریظ الجاحظ^{۱۴۱} را نیز تألیف کرده است. ابن ابی الحدید در نقد کتاب البصائر و اشاریه به تدلیس ابو حیان در آنجا که کلامی فصیح را به ابوبکر و عمر منتسب می‌کند، از کتاب ابو حیان نام برده است.^{۱۴۲} شایان ذکر است شارح در مواردی هم بدون تصریح به نام کتابی از ابو حیان، به نقل اخبار می‌پردازد.^{۱۴۳}

۴۹. آبی: منصور بن حسین رازی، ابوسعدا آبی وزیر، متوفای ۴۲۱. شارح در یک جا از کتاب نثر الدرر وی یاد کرده است که مؤیدی برای روایتش از ابو جعفر طبری است.^{۱۴۴}

۵۰. ابن عبد البر: أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، متوفای ۴۶۳. شارح اکثراً در نسب‌شناسی شخصیت‌های تاریخی و آن هم از کتاب الاستیعاب فی معرفة الصحابة^{۱۴۵} او به نقل اخبار می‌پردازد.

۵۱. ابن سنان خفاجی: امیر ابو محمد عبد الله بن محمد بن سنان شاعر شیعی متوفای ۴۶۶. کتابی که شارح مدائنی از آن به نقل تاریخی از وی می‌پردازد، کتاب العادل او بوده است و البته دو نقل دیگر هم در بلاغت از او دارد.^{۱۴۶} شارح در پاسخ به این سؤال که چرا علی (ع) در شوری با توسل به دروغ به عبد الرحمان حکومت را به دست نگرفت، از او نقل مطلب می‌کند.^{۱۴۷}

۳۴۶. شارح از مروج الذهب وی نقل خبر کرده است.^{۱۴۸}

۳۹. ابوبکر احمد بن کامل: ابوبکر احمد بن کامل بن خلف البغدادی الشجری، متوفای ۳۵۰. شارح معتزلی از کتاب او درباره وفات حضرت زهرا (س) مطالبی نقل کرده است.^{۱۴۹}

۴۰. ابو الفرج اصفهانی: علی بن الحسین بن محمد بن احمد بن الهیثم المروانی الأموی القرشی، متوفای ۳۵۶. شارح از دو کتاب الاغانی (الاغانی الکبیر) و مقاتل الطالبیین به نقل اخبار می‌پردازد.^{۱۵۰}

۴۱. حمزه بن حسن اصفهانی: حمزه بن الحسن الاصفهانی، متوفای ۳۶۰. شارح از کتاب تواریخ الامم وی نقل کرده است.^{۱۵۱}

۴۲. حاکم نیشابوری: ابو احمد محمد بن محمد، محدث مشهور اهل سنت متوفای ۳۷۸، از کتاب الکنی که به احتمال الأسماء و الکنی باشد نقل کرده است.^{۱۵۲}

۴۳. ابو احمد عسکری: أبو احمد الحسن بن عبد الله بن سعید بن إسماعیل العسکری متوفای ۳۸۲. کتاب منقول در شرح الامالی است که ما در آثار وی نمی‌بینیم.^{۱۵۳}

۴۴. ابو هلال عسکری: الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعید بن یحیی بن مهران، متوفای ۳۸۲ یا ۳۹۵. ابن ابی الحدید از کتاب الاوائل نکات تاریخی در شرح خود نقل کرده است.^{۱۵۴}

۴۵. مرزبان‌ی: أبو عبید الله محمد بن عمران بن موسی بن عبید الله، متوفای ۳۸۴. کتاب المونق از اوست که شارح از آن بهره‌ای تاریخی برده است.^{۱۵۵}

۴۶. قاضی تنوخی: محسن بن علی ابن محمد بن ابی الفهم متوفای ۳۸۴. مهم‌ترین کتاب وی نشوار المحاضرة و اخبار المذاكرة که نام

۱۲۳. الأعلام، ج ۴، ص ۲۷۷.

۱۲۴. شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۲۸ و نیز ج ۷، ص ۱۳۱.

۱۲۵. الأعلام، ج ۱، ص ۱۹۹.

۱۲۶. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۸۰.

۱۲۷. الأعلام، ج ۴، ص ۲۷۷.

شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۷۸. فهرست طوسی، ص ۲۸۱. کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۲۹. الذریعة، ج ۲، ص ۲۴۹.

۱۲۸. الأغانی: شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۴۳ و نیز رک به: ج ۵، ص ۱۰۶، ج ۶، ص ۱۲۴، ج ۷، ص ۱۲۹. مقاتل الطالبیین، ج ۱۵، ص ۷۲ و نیز رک به: ج ۱۰، ص ۱۴، ج ۱۵، ص ۷۲، ج ۳، ص ۳۰۷.

۱۲۹. الأعلام، ج ۲، ص ۲۷۷.

۱۳۰. شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۱۹۶.

۱۳۱. همان، ج ۲۰، ص ۱۰۲.

۱۳۲. الأعلام، ج ۲، ص ۱۹۶. الذریعة، ج ۱۲، ص ۶۰.

۱۳۳. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۶۳ و نیز رک به: ج ۲، ص ۱۰۳، ج ۱۲، ص ۱۸۳.

۱۳۴. همان، ج ۱، ص ۱۹۶ و نیز ج ۴، ص ۷.

۱۳۵. فهرست ابن ندیم، ص ۱۴۶ - ۱۴۹. الکنی والألقاب، ج ۳، ص ۱۷۷.

۱۳۶. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۳۶ و نیز رک به: ج ۸، ص ۳۲، ج ۱۶، صص ۱۲۹، ۲۴۹، ۲۵۳.

۱۳۷. الأعلام، ج ۵، ص ۲۸۸. الذریعة، ج ۲۴، ص ۱۶۰.

۱۳۸. شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۱۲.

۱۳۹. الأعلام، ج ۱، ص ۷۸.

۱۴۰. شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۷۶.

۱۴۱. وفيات الأعیان، ج ۲۷، ص ۴۰۱. الأعلام، ج ۴، ص ۳۲۶.

۱۴۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۱۴۰.

۱۴۳. همان، ج ۱۳، ص ۲۹۷.

۱۴۴. همان، ج ۸، ص ۲۵۱؛ ج ۱۰، ص ۱۰۹؛ ج ۱۱، ص ۱۱۷ - ۲۸۵ - ۲۸۶.

۱۴۵. همان، ج ۱۱، ص ۲۶۹؛ ج ۱۳، ص ۲۹۷؛ ج ۱۶، ص ۱۱۴؛ ج ۱۸، ص ۱۸۱ و....

۱۴۶. الأعلام، ج ۷، ص ۲۹۸.

۱۴۷. شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۱۲.

۱۴۸. وفيات الأعیان، ج ۷، ص ۶۶. کشف الظنون، ج ۱، ص ۸۱. الأعلام، ج ۸، ص ۲۴۰.

۱۴۹. شرح نهج البلاغه، ج ۴، صص ۹۵، ۱۱۶، ۱۲۰، ج ۶، ص ۱۴۸، ج ۶، ص ۲۸۳، ج ۹، ص ۱۹۱.

۱۵۰. الأعلام، ج ۲، ص ۲۱۷.

۱۵۱. شرح نهج البلاغه، ج ۵، صص ۵۹، ۶۴.

۱۵۲. همان، ج ۱۰، ص ۲۴۵.

۵۹. نقیب أبو جعفر یحیی بن ابی زید: أبو جعفر یحیی بن محمد بن محمد، معروف به ابن ابی یزید علوی متوفای ۶۱۳. ۱۶۷ در شرح دو تاریخ حضور ابن ابی الحدید در مجلس درس نقیب ابوزید علوی می‌یابیم: یکی ۶۱۰^{۱۶۸} و دیگری ۶۱۱. ۱۶۹ با توجه به اینکه هر دو ساکن بغداد بودند، باید مرادات شیخ و شاگرد بیش از این باشد.^{۱۷۰}

۶۰. ابن الخشاب: ابومحمد عبدالله بن احمد متوفای ۵۶۷. شارح نگفته از چه کتب وی بهره برده؛ اما گویا کتاب وی و به دستخط خود وی در اختیار او بوده است.^{۱۷۱}

۶۱. ابن ابی رؤبة دباس: از میان کتاب‌های تاریخ و تراجم و اعلام، هیچ مطلبی درباره‌ی این شخص نیامده است. تنها منبعی که از وی مطلب نقل کرده است، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید است که در حد نام و کنیه و لقب و نام کتاب او را آورده است و چند روایت تاریخی که این راوی و مؤلف در یکی از آنها متفرد است، نام اوست: ابوالحسین محمد بن علی بن نصر، معروف به ابن ابی رؤبة الدباس و کتابی که شارح از آن نقل می‌کند افتراق هاشم و عبد شمس است.^{۱۷۲}

۶۲. عبد الله حلبی: عبدالله بن إسماعیل بن أحمد. هیچ شرح حالی از او در کتب تراجم از او نیافتیم، جز کتاب مستدرکات علم رجال الحدیث از شیخ علی نمازی که می‌نویسد: «لم یذکره». وله کتاب فی التذیل علی نهج البلاغه ونقل عنه ابن ابی الحدید، كما قاله المامقانی فی ترجمة ضرار.^{۱۷۳} شارح تنها در یک مورد از او مطلبی تاریخی درباره ضرار بن ضمرة مربوط به حکمت ۷۵ نقل کرده است.^{۱۷۴}

با بررسی منابع تاریخی ابن ابی الحدید، فراوانی منابع دست اول وی در شرح تاریخی آشکار می‌شود که نزدیک به ۸۸ کتاب از ۵۱ مؤلف و مورخ است. افزون بر آن شارح از چهار نفر نیز بدون ذکر نام کتاب نام می‌برد. ویژه بودن و منحصر به فرد بودن شرح نهج البلاغه در برخی از روایات تاریخی، یکی دیگر از ویژگی‌های منابع تاریخی وی است؛ چنان‌که در برخی موارد مانند ابن ابی رؤبة، شرح نهج ابن ابی الحدید معتزلی تنها منبعی است که از این راوی و مورخ احتمالاً متقدم نامی برده است. او نیز در برخی روایاتش متفرد است و شارح تصریح می‌کند که جای دیگری آن را نیافته است. از دیگر ویژگی‌های شرح نهج البلاغه این است که این کتاب، مهم‌ترین منبع تاریخی احیای برخی مطالب بازمانده از کتب تاریخی همچون الغارات و یا وقعة صفین است.

۱۶۷. الأعلام، ج ۸، ص ۱۶۵.

۱۶۸. همان، ج ۲، ص ۵۳.

۱۶۹. همان، ج ۲۰، ص ۱۰.

۱۷۰. همان، ج ۱۵، ص ۱۸۴.

۱۷۱. همان، ج ۱، ص ۲۰۴، ج ۱۱، ص ۱۳۵، ج ۱۹، ص ۲۵۱، ج ۷، ص ۲۶۵، ج ۱۰، ص ۹۷.

۱۷۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۴۰ و نیز ج ۱۵، ص ۲۳۳.

۱۷۳. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۴۸۴.

۱۷۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۲۲۵.

۵۲. حسن بن علی حلوانی: متوفای ۴۶۳. از کتاب المعرفة^{۱۵۳} نقل مطلب شده است.

۵۳. ابن ماکولا: أبونصر علی بن هبة الله بن علی بن جعفر، متوفای ۴۷۵، صاحب کتاب الاکمال^{۱۵۲} شارح در برشمردن نسب چند شخصیت تاریخی از این کتاب استفاده کرده است. در دو مورد از کتاب او بهره جسته که در نقل ذیل روایت، او را نسبت به روایت بلاذری و... برتر دانسته است.^{۱۵۵}

۵۴. ابن ناکیا: أبو القاسم عبد الله بن محمد بن حسین بن ناکیا، متوفای ۴۸۵. از جمله کتاب‌های او ملح الممالحة است^{۱۵۶} که ابن ابی الحدید در یک مورد از آن سخنی در تاریخ نقل کرده است.^{۱۵۷}

۵۵. زمخشری: أبو القاسم جارا لله محمود بن عمر بن محمد بن أحمد الخوارزمی الزمخشری، صاحب تفسیر الکشاف و ربیع الأبرار متوفای ۵۳۸^{۱۵۸} در مسائل تاریخی، شارح از کتاب ربیع الأبرار زمخشری نقل می‌کند.^{۱۵۹}

۵۶. ابوالفرج ابن جوزی: أبو الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد الجوزی القرشی البغدادی، متوفای ۵۹۷،^{۱۶۰} شارح از دو کتاب ابن جوزی نام می‌برد. یکی تاریخ که باید همان المنتظم باشد، کتاب سیرة عمر.^{۱۶۱}

۵۷. ابن اثیر جزیری: عزالدین أبو الحسن علی بن عبدالکریم بن عبدالواحد الشیبانی الجزیری الموصلی معروف به ابن الأثیر.^{۱۶۲} شارح در یک جا از کتاب تاریخ ابن الاثیر نقل کرده است.^{۱۶۳} ابن ابی الحدید کتاب دیگری از وی با نام المثل السائر^{۱۶۴} را در بلاغت نام می‌برد.

۵۸. محمد بن معد علوی: أبو جعفر علوی شیعی محمد بن معد بن علی بن رافع بن فضائل موسوی حلی متوفای ۶۲۰. چنان‌چه از نص شرح پیدا است، شارح در محضرا و شاگردی و کسب فیض می‌کرده است. یکی از تاریخ‌های مراجعه‌اش ۶۰۸. است و براساس دو نقل تاریخی در شرح، در آن زمان تاریخ طبری و مغازی و اقلدی را نزد وی می‌خوانده؛ بنابراین این دو نقل جلوه تاریخی پیدا می‌کند.^{۱۶۵} و^{۱۶۶}

۱۵۳. همان، ج ۴، ص ۱۲۰.

۱۵۴. الأعلام، ج ۵، ص ۳۰.

۱۵۵. شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۵۱ نیز ج ۲۰، ص ۱۳۷.

۱۵۶. الأعلام، ج ۴، ص ۱۲۲.

۱۵۷. شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۴۹.

۱۵۸. الکنی و الألقاب، ج ۲، ص ۲۹۹.

۱۵۹. همان، ج ۱، ص ۳۳۶، ج ۶، ص ۲۸۳، ج ۹، ص ۲۸۰.

۱۶۰. الأعلام، ج ۳، ص ۳۱۷. الکنی و الألقاب، ج ۱، ص ۲۴۷.

۱۶۱. المنتظم: شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۲۲. سیرة عمر، ج ۱۲، ص ۲۲۰.

۱۶۲. البداية و النهایة، ج ۱۳، ص ۱۳۹.

۱۶۳. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۲.

۱۶۴. همان، ج ۲، ص ۱۰۴، ج ۵، ص ۵۹، ج ۷، ص ۲۴۵.

۱۶۵. شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۳۸.

۱۶۶. همان، ج ۱۵، ص ۲۳.

منابع لغوی

هر پژوهشگری در زمینه مفردات و غریب‌شناسی الفاظ ناگزیر است به منابع دسته اول لغت توجهی ویژه داشته باشد. از آنجا که کلام حضرت علی (ع) آکنده از واژگان غریب است این نیاز جهت فهم کلام بیشتر می‌شود.

گفتنی است در گذشته ذکر منابع و مآخذ مورد اعتماد در کتب و مصنفات برخلاف امروز چندان مورد توجه و رایج نبوده است. از همین رو ابن ابی الحدید نیز گاه نام کتاب و مؤلف و گاه تنها یکی را می‌آورد. اگرچه در مقایسه با دیگران و برای تأیید سخن خود یا دیگری و یا ردّ مخالفان بیشتر به این امر (ارجاع به مصادر لغوی) اهتمام داشته است. از مواردی که نشان‌دهنده اهمیت کتب لغت و لغت‌شناسان و شیوخ ادب نزد ابن ابی الحدید است، قول وی در تعلیق قول رضی (ره) است که می‌گوید: «این سخن سید رضی را نه از شیخی از اهل ادب شنیدم و نه در کتابی از کتب لغت آن را یافتیم و نمی‌دانم رضی از کجا این مطلب را نقل کرده است».^{۱۷۵}

شارح ضمن شرح از چهارده نفر (شماره‌های ۱ تا ۱۴) که خود دستی در لغت داشته و صاحب‌نظر و نویسنده و صاحب کتاب در علم لغت بوده‌اند، به استشهداد لغوی می‌پردازد و از هشت تن (شماره‌های ۱۵ تا ۲۲) نیز که در تحلیل واژگان دستی داشته؛ ولی کتاب لغوی نداشته‌اند، به ذکر اقوال می‌پردازد که به ترتیب عبارتند از:

۱. جوهری: صاحب الصحاح أبو نصر اسماعیل بن حماد الجوهری، متوفای ۳۹۳ یا ۳۹۸ یا ۴۰۰.^{۱۷۶}

۲. ابن فارس: صاحب المجمع أبو الحسن أحمد بن فارس بن زکریاء القزوینی الرازی، متوفای ۳۹۵.^{۱۷۷} شارح از مقایس اللغة استفاده نکرده، با اینکه مقایس اللغة در آن روزگار بر المجمع برتری داشته است، به علاوه که المجمع معجم مختصر و موجزی بود.^{۱۷۸} ابن ابی الحدید در یک مورد در نقد قطب‌الدین راوندی از المجمع استفاده کرده است.^{۱۷۹}

۳. أبو عبید هروی: أبو عبید أحمد بن محمد بن عبد الرحمن الهروی الباشانی، متوفای ۴۰۱.^{۱۸۰} الجمع بین الغریبین از مهم‌ترین مصنفات اوست و شارح از آن در مواردی بهره برده است.^{۱۸۱}

۱۷۵. همان، ج ۷، ص ۲۷۹.
 ۱۷۶. همان، ج ۱، ص ۱۳۱. برای نمونه بیشتر تک به: ج ۲، ص ۳۶، ج ۹، ص ۳۲۰، ج ۱۰، ص ۷۶، ج ۱۳، ص ۱۸۳.
 ۱۷۷. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۳۷۷؛ الأعلام، ج ۱، ص ۱۹۳.
 ۱۷۸. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۳۷۸.
 ۱۷۹. همان، ج ۱، ص ۵۰.
 ۱۸۰. الأعلام، ج ۱، ص ۲۱۰.
 ۱۸۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۹۵، ج ۹، ص ۱۶۵، ج ۱۸، ص ۱۳۲، ج ۱۹، ص ۱۳۹.

۴. أبو عبید قاسم بن سلام: أبو عبید القاسم بن سلام بن مسکین بن زید الهروی متوفای ۲۲۴.^{۱۸۲} در موارد بی‌شمار از وی نقل کرده است.^{۱۸۳} گفتنی است ابن ابی الحدید تنها در یک مورد از قاسم بن سلام نقل تاریخی دارد.^{۱۸۴}

۵. ابن قتیبة: أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتیبة الدینوری متوفای ۲۷۶ یا ۲۷۹.^{۱۸۵} کتاب لغوی ابن قتیبة، یعنی غریب الحدیث نیز از موارد استفاده شارح معتزلی است. از کتاب ابن قتیبة برای چند منظور استفاده کرده است؛ گاهی صرفاً از معنای غریب لغت در روایت بهره برده^{۱۸۶} و گاهی نیز از روایت کتاب غریب الحدیث استفاده کرده است.^{۱۸۷}

۶. ابن اعرابی: أبو عبد الله محمد بن زیاد، متوفای ۲۳۱.^{۱۸۸} ابن اعرابی صاحب تصانیف زیادی است؛ اما دقیقاً مشخص نیست شارح از کدامیک از تألیفات وی بهره جسته است؛ مگر دو مورد که یکی از آنها از النوادر و دیگری از الامالی^{۱۸۹} در موارد بی‌شمار دیگر نامی از کتاب‌های او نبرده و به ذکر نام مؤلف اکتفا می‌کند.^{۱۹۰}

۷. أصمعی: أبو سعید عبد الملك بن قریب بن علی بن الأصمعی الباهلی متوفای ۲۱۳ یا ۲۱۶. او صاحب تألیفات زیادی است. وی کتابی با نام غریب الحدیث دارد.^{۱۹۱} که به احتمال قریب به یقین، شارح از همین استفاده کرده است.^{۱۹۲}

۸. ابن درید: أبو بکر محمد بن الحسن بن درید، متوفای ۳۲۱.^{۱۹۳} گاهی شارح به کتاب الامالی ابن درید تمسک جسته^{۱۹۴} و گاهی بدون ذکر منبع از ابن درید مطلب آورده است.^{۱۹۵}

۹. ابن سکیت: أبو یوسف یعقوب بن إسحاق ملقب به ابن السکیت، متوفای ۲۴۴ یا ۲۴۶.^{۱۹۶} ابن ابی الحدید در دو مورد از اصلاح المنطق وی نام می‌برد.^{۱۹۷} در دیگر موارد از منبع خود نامی به میان نمی‌آورد.^{۱۹۸}

۱۸۲. کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۳۸۵.

۱۸۳. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۵۴، ج ۱۲، ص ۱۲۶، ج ۱۲، ص ۱۲۴.

۱۸۴. همان، ج ۱۲، ص ۲۰.

۱۸۵. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۲۲۸. الأعلام، ج ۴، ص ۱۳۷.

۱۸۶. شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۳۲ - ۱۳۸.

۱۸۷. همان، ج ۱، ص ۲۸۲، ج ۶، ص ۲۱۹، ج ۱۱، ص ۱۲۱، ج ۱۲، ص ۱۵۲.

۱۸۸. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۲۲۱. الأعلام، ج ۶، ص ۱۳۱.

۱۸۹. النوادر: شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۱۹۰. الامالی، ج ۵، ص ۳۰.

۱۹۰. همان، ج ۷، ص ۱۰۹، ج ۱۰، ص ۸۷، ج ۱۷، ص ۱۹.

۱۹۱. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۱۱۸. الأعلام، ج ۴، ص ۱۶۲.

۱۹۲. شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۰۱، ج ۶، ص ۴۴۳.

۱۹۳. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۱۷۳. الأعلام، ج ۶، ص ۸۰.

۱۹۴. شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۲۴، ج ۲۰، ص ۱۵۳.

۱۹۵. همان، ج ۶، ص ۴۴۴، ج ۱۱، ص ۹۱.

۱۹۶. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۲۲۶. الأعلام، ج ۸، ص ۱۹۵.

۱۹۷. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳، ج ۱۹، ص ۴۲۷.

۱۹۸. همان، ج ۵، ص ۴۷، ج ۶، ص ۲۴۷.

کلامی، منظور ابوعلی جبایی است. در یکی از دو موضع نقل لغوی نیز با توجه به قرائن منظور ابوعلی فارسی است؛ چرا که شارح در موضعی می‌گوید: «از برخی لغویان سرشناس درباره تفاوت ماتح و مائح سوال شد؟»^{۲۱۳} و در جایی دیگر آورده: «از ابوعلی که خدایش او را رحمت کند، پرسیده شد: چه تفاوتی میان ماتح و مائح وجود دارد؟»^{۲۱۴} ولی در موضع دوم نقل لغوی^{۲۱۵} گویا منظور ابوعلی جبایی است.

۱۷. شیخ أبوالبقاء: أبوالبقاء عبدالله بن حسین بن عبدالله عکبری، متوفای ۶۱۶. ۲۱۶. تنها در یک مورد از وی بهره جسته است.^{۲۱۷}

۱۸. أبوالفتح: شارح سخن ابوالفتح را از کتاب الدمشقیات وی ذکر می‌کند و در ابتدا به نظر می‌رسد وی أبوالفتح ابن جنی باشد؛ ولی در کتب تراجم علاوه بر اینکه اثری برای او با نام الدمشقیات نمی‌بینیم، نام کسی نیز با این عنوان و این اثر یاد نشده است.^{۲۱۸} بهره شارح از او تنها در یک مورد است.^{۲۱۹}

۱۹. سیبویه: عمرو بن عثمان بن قنبر الحارثی مشهور به سیبویه متوفای ۱۸۰، ۲۲۰. شارح در دو مورد از او به نقل سخن پرداخته است.^{۲۲۱}

۲۰. فزّاء: یحیی بن زیاد بن عبد الله بن منظور الدیلمی مشهور به فزّاء متوفای ۲۰۷. ۲۲۲. از فزّاء علاوه بر بحث اعرابی، در لغت نیز منقولاتی در شرح آمده است.^{۲۲۳}

۲۱. ابن درستویه: عبدالله بن جعفر بن محمد بن درستویه بن المرزبان متوفای ۳۴۷. ۲۲۴. تنها بهره شارح از او در مورد معنای و ایم الله است.^{۲۲۵}

۲۲. ابن کئسان: أبوالحسن محمد بن أحمد بن إبراهيم معروف به ابن کئسان متوفای سنة ۲۹۹. ۲۲۶. شارح به عنوان آخرین منبع لغوی از وی نقل می‌کند.^{۲۲۷}

۱۰. کسائی: أبوالحسن علی بن حمزة بن عبدالله الکسائی، متوفای ۱۸۹. ۱۹۹. شارح افزون بر نقل اقوال لغوی کسائی^{۲۲۸} از نظرات اعرابی^{۲۲۹} وی نیز استفاده کرده است.

۱۱. أبوعبیده: أبوعبیده معمر بن المثنی متوفای میان سال‌های ۲۰۷ یا ۲۱۳. ۲۳۰. چنان‌که قبلاً ذکر شد اقوال تاریخی ابوعبیده در کتاب‌های مختلف وی نیز مورد توجه ابن ابی الحدید بوده است و در بخش لغت، شارح از او استفاده‌های فراوان کرده است.^{۲۳۱}

۱۲. لیث بن مظفر (رافع): متوفای ۱۹۰. ۲۳۲. اقوال لیث در شرح نهج البلاغه بسیار کم مورد توجه شارح بوده است.^{۲۳۵}

۱۳. أبوالعباس مبرد: أبوالعباس محمد بن یزید الثمالی الأزدی مشهور به مبرد متوفای ۲۸۵. ۲۳۶. شارح علاوه بر اقوال تاریخی وی در الکامل که در اصل کتابی ادبی است، از منقولات لغوی وی نیز بهره جسته است.^{۲۳۷}

۱۴. ابوزید: گمان غالب بر این است که این ابوزید همان ابوزید سعید بن اوس انصاری صاحب کتاب النوادر و کتاب المصاדר باشد.^{۲۳۸} شارح تنها در یک مورد از او یاد می‌کند. گویا آن را نیز از کتابی جز کتاب ابوزید انصاری گرفته باشد.^{۲۳۹}

۱۵. شریف رضی: أبوالحسن محمد بن حسین موسوی متولد ۳۵۹ و متوفای ۴۰۶. وی در حواشی نهج البلاغه بیاناتی در تفسیر و شرح کلام امام علی (ع) دارد؛ بنابراین وی را می‌توان اولین شارح نهج البلاغه دانست.^{۲۴۰} با این حال شارح معتزلی از اقوال لغوی او نیز استفاده کرده است.^{۲۴۱}

۱۶. ابوعلی: این نام در شرح برای دو نفر به کار رفته است. یکی ابوعلی محمد بن عبدالوهاب بن سلام جبایی متکلم معروف معتزلی که متوفای سال ۳۰۳ است^{۲۴۲} و دیگری ابوعلی فارسی، لغوی شهیر. از آنجا که نقل مطالب لغوی از ابوعلی در شرح تنها دو مورد است و شارح در مواضعی که کلامی سخن می‌گوید از تعبیر «شیخنا» برای استادش استفاده می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که در مواضع نقل مطالب

۱۹۹. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۲۰۳. الأعلام، ج ۴، ص ۲۸۳.

۲۰۰. شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۶۱.

۲۰۱. همان، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲۰۲. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۱۱۱. الأعلام، ج ۷، ص ۲۷۲.

۲۰۳. شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۱۱ و نیز ج ۱۹، ص ۳۹۳.

۲۰۴. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۲۸۵.

۲۰۵. شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۷۳.

۲۰۶. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۱۶۷.

۲۰۷. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۷۶.

۲۰۸. تاریخ التراث العربی، ج ۸، ص ۱۲۸ - ۱۳۴.

۲۰۹. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۴۳۹.

۲۱۰. الذریعة، ج ۱۴، ص ۱۶۴.

۲۱۱. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۷۹.

۲۱۲. الأعلام، ج ۶، ص ۲۵۶.

۲۱۳. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۶۸.

۲۱۴. همان، ج ۱، ص ۲۳۹.

۲۱۵. شرح درباره کلمه الفلانة، همان، ج ۲، ص ۲۴.

۲۱۶. همان، ج ۴، ص ۸۰.

۲۱۷. شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۶۹.

۲۱۸. الأعلام، ج ۴، ص ۲۰۴.

۲۱۹. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۱۹۹.

۲۲۰. الأعلام، ج ۵، ص ۸۱.

۲۲۱. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۱ و نیز ج ۹، ص ۲۲۸.

۲۲۲. الأعلام، ج ۸، ص ۱۴۵.

۲۲۳. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۱۱۰ و نیز ج ۳، ص ۳۳۳، ج ۷، ص ۲۵.

۲۲۴. الأعلام، ج ۴، ص ۷۶.

۲۲۵. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۵۴ - ۵۵.

۲۲۶. الأعلام، ج ۵، ص ۳۰۸.

۲۲۷. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۴۷ و ۵۴ و نیز برای مطالعه بیشتر در زمینه منابع لغوی شرح نهج رک به: المصادر اللغویة عند ابن ابی الحدید علی اکبر فراتی؛ انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ش ۹، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۳۷ - ۶۰.

منابع فلسفی، کلامی و عرفانی

شرح ابن ابی الحدید از نظر کلامی نیز شرحی موفق بوده است که عمدتاً آن به دلیل استفاده از منابع غنی در حوزه کلام است که حتی برخی از آنها در دسترس ما نیست. در ذیل به بررسی منابع فلسفی کلامی و عرفانی شارح می‌پردازیم.

۱. نظام: ابوالسحاق ابراهیم بن سیار بن هانی النظام، متوفای ۲۳۱. ۲۳۸. وی صاحب کتاب‌های متعددی در فلسفه و کلام است که شارح از الذنکات و استفاده کرده است. ۲۳۹. شارح در فصلی با نام «ذکر مطاعن النظام علی الإمام علی و الرد علیه» ردیه‌ای بر اقوال نظام در کتاب الذنکات نگاشته و او را شدیداً محاکمه و به چالش می‌کشد. ۲۴۰.

۲. زرقان: محمد بن شداد المسمعی المعتزلی معروف به زرقان متوفای ۲۷۸. ۳۳۱. در دو موضع مطلبی کلامی از کتاب وی، یعنی المقالات نقل کرده است. ۳۳۲.

۳. نوبختی: ابو محمد الحسن بن موسی النوبختی از متکلمان امامیه، متوفای ۳۱۰. ۳۳۳. که ابن ابی الحدید مطالب کلامی از کتاب الآراء و الدیانات او ذکر کرده است. ۳۳۴.

۴. ابوهاشم: ابوهاشم عبد السلام بن ابی علی محمد الجبائی بن عبد الوهاب بن سلام، متوفای ۳۲۱. ۳۳۵. وی پسر ابوعلی جبائی و متکلم معتزلی معروف است که شارح کتابی را به نام الانواب برای او نام می‌برد. ۳۳۶.

۵. ابو عبد الله بصری: الحسین بن عبد الله بصری معتزلی مکنی به ابو عبد الله متوفای ۳۵۷. ۳۳۷. استاد قاضی عبد الجبار همدانی ۳۳۸. یکی از شیوخ کلامی معتزله که کتابی به نام نقض السفیانیة (نقضی بر کتاب السفیانیة) دارد که شارح در یک مورد از این کتاب نقل کرده؛ ولی در دیگر موارد نامی از کتاب وی نمی‌برد. ۳۳۹. البته شارح، هم از مواضع کلامی و هم مواضع تاریخی او بهره جسته است. ۳۴۰.

۶. قاضی القضاة: ابوالحسین عبد الجبار بن احمد بن عبد الجبار

الهمدانی الأسد آبادی، مشهور به قاضی القضاة متوفای ۴۱۵. ۴۴۱. که شارح از کتاب المغنی وی علاوه بر مطالب تاریخی، در نقل مطالب کلامی نیز به وفور استفاده و گاه مطالب تاریخی و کلامی را در لابلاهای هم مطرح کرده است. ۴۴۲. البته از کتاب دیگر وی با عنوان طبقات المعتزلة نیز استفاده کرده است. ۴۴۳. مطالب منقول از قاضی القضاة بسیار زیاد و بیشتر مربوط به تاریخ، کلام و تحلیلی از این دو است؛ چرا که شارح در شرح خود مناقشات میان سید مرتضی و قاضی عبد الجبار را نقل می‌کند و در این بین، در برخی موارد گفته‌های آن دو را نقد می‌نماید. این مناقشات بیشتر در جلد دوازدهم که سیره عمر در آن به تصویر کشیده شده است بیان شده‌اند. ۴۴۴.

۷. ابن سینا: حسین بن عبد الله ابوعلی، مشهور به ابن سینا متوفای ۴۲۸. ۴۴۵. شارح در موارد متعددی از مبانی و نظرات فلسفی و عرفانی وی در کتاب‌های الاشارات، الشفاء و الرسالة الاصحوبة (رساله‌ای در معاد) ۴۴۶. استفاده کرده است. ۴۴۷.

۸. شریف مرتضی: ابوالقاسم علی بن الحسین ابن موسی بن محمد مشهور به سید مرتضی متوفای ۴۳۶، صاحب آثار متعدد ۴۴۸. که شارح از چند کتاب وی در زمینه کلام که ضمن آن از مطالب تاریخی نیز بهره جسته، استفاده کرده است. از جمله: تکملة الغر و الدرر معروف به امالی مرتضی، الشافی فی الامامة و تنزیه الانبیاء و الائمة. ۴۴۹. شارح از کتاب الشافی وی در مناقشه‌ای کتابی که با صاحب المغنی قاضی القضاة روی داده بسیار استفاده کرده است. می‌توان گفت که غالب بهره شارح از کتب سید مرتضی از کتاب کلامی الشافی فی الامامة در زمینه ولایت حضرت امیر (ع) است. گفتنی است که شریف مرتضی کتابی دیگر با نام الذریعة إلى اصول الشریعة تألیف کرده که ابن ابی الحدید آن را با نام اعتبار الذریعة شرح کرده است. شارح در شرح خود نامی از کتاب شریف مرتضی نیاورده؛ اما از شرح خود بر آن و نقد وی بر سید مرتضی در زمینه کلامی تاریخی سخن گفته است. ۴۵۰.

۹. ابوالحسین بصری: ابوالحسین محمد بن علی البصری متوفای

۲۲۸. فهرست ابن ندیم، ص ۲۰۶. الأعلام، ج ۱، ص ۴۳.
 ۲۲۹. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۷، ج ۳، ص ۲۲۷، ج ۶، ص ۱۲۹-۱۳۴ و ۴۲۲، ج ۷، ص ۱۱، ج ۲۰، ص ۳۰-۳۱.
 ۲۳۰. همان، ج ۶، ص ۱۲۹-۱۳۴.
 ۲۳۱. الوافی بالوفیات، ج ۳، ص ۱۲۴.
 ۲۳۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۱، ج ۱۷، ص ۱۳۲.
 ۲۳۳. فهرست ابن ندیم، ص ۲۲۵. الأعلام، ج ۲، ص ۲۲۴.
 ۲۳۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۱، ج ۳، ص ۲۲۷، ج ۳، ص ۲۳۰.
 ۲۳۵. وفیات الأعیان، ج ۳، ص ۱۸۳.
 ۲۳۶. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۷۰ و ۱۰۰، ج ۵، ص ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۵۶، ج ۶، ص ۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۰۰-۲۲۰، ج ۱۹، ص ۳۰۷، ج ۲۰، ص ۵۸.
 ۲۳۷. معجم المؤلفین تراجم مصنفی الكتب العربية، ج ۴، ص ۱۹.
 ۲۳۸. موسوعة مؤلفی الامامية، ج ۲، ص ۲۱۷.
 ۲۳۹. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۰۰.
 ۲۴۰. همان، ج ۱، ص ۸، ج ۳، ص ۲۶۴، ج ۱۱، ص ۱۱۸.
 ۲۴۱. الأعلام، ج ۳، ص ۲۷۳.
 ۲۴۲. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۳۲۴ و ۳۲۸، ج ۳، ص ۴، ج ۳، ص ۴۶ و ۵۳، ج ۶، ص ۲۷۴، ج ۸، ص ۲۶۱، ج ۹، ص ۳۱۷، ج ۱۳، ص ۱۸۵، ج ۱۷، ص ۱۵۵-۱۶۱، ۱۶۲.
 ۲۴۳. همان، ج ۶، ص ۲۷۳، ج ۱۷، ص ۱۳۲.
 ۲۴۴. همان، ج ۱۶، ص ۲۶۸.
 ۲۴۵. الأعلام، ج ۲، ص ۲۴۱.
 ۲۴۶. الاشارات: شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۳۵، ۱۳۷، ۲۱۲، ج ۱۸، ص ۴۶. الشفاء: ج ۹، ص ۲۷۰، ج ۱۰، ص ۲۱۲. الرسالة الاصحوبة، ج ۹، ص ۸۰.
 ۲۴۷. همان، ج ۳، ص ۲۱۹، ۲۲۲. در این دو مورد نامی از کتاب وی نبرده است.
 ۲۴۸. الکنی و الألقاب، ج ۲، ص ۴۸۰. الأعلام، ج ۴، ص ۲۷۸. الذریعة، ج ۴، ص ۴۱۵.
 ۲۴۹. امالی: شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۰۵. الشافی فی الامامة، ج ۲، ص ۴۱۰، ۳۲۴، ج ۱۰، ص ۲۸۶، ج ۱۲، ص ۱۹۵، ج ۱۷، ص ۱۵۴، ج ۱۶، ص ۲۳۷. تنزیه الانبیاء و الائمة، ج ۴، ص ۶۴، ج ۷، ص ۱۱۳.
 ۲۵۰. همان، ج ۱، ص ۲۹۰، ج ۱۶، ص ۲۴۷، ج ۲۰، ص ۳۴.

بیست کتاب کلامی منابع ابن ابی الحدید در سیربحث‌های کلامی اوست که برخی از آنها مانند کتاب ابو محمد بن متویه در حال حاضر در دسترس نیست.

منابع متفرقه

منابع ذیل منابعی است که ابن ابی الحدید در موارد فقهی، نجومی و... از آنها بهره برده است.

۱. بقراط: بقراط بن ابراقلیس از حکماء و اطباء یونان، استاد سقراط بوده است.^{۲۶۴} شارح در بخشی از کتاب وی با نام الفصول [فی الطب] نقل کرده است.^{۲۶۵}

۲. عبدالله بن مقفع: متوفای ۱۴۲. ^{۲۶۶} شارح از دو کتاب الیتیمه و آداب المقفع ^{۲۶۷} وی نام برده است. اثری که هم اینک از او یافت می‌شود الآداب الصغیر است که احتمالاً همان الآداب باشد. به بیان شارح ظاهراً هر دو کتاب وی در موضوع حکمت و امثال حکیمانه و... بوده است.^{۲۶۸}

۳. مؤرج بن عمرو سدوسی: مؤرج بن عمرو السدوسی النحوی البصری متوفی حدود ۱۷۰، از شاگردان خلیل فراهیدی.^{۲۶۹} ابن ابی الحدید در یک مورد از کتاب الامثال وی بهره جسته است.^{۲۷۰}

۴. صیمری: ابوالعباس (ابوالعبس) یعقوب بن احمد صیمری که اصلیتش کوفی و متوفای ۲۷۵ است.^{۲۷۱} شارح در یک موضع، خطبه‌ای از امام را از کتاب بدون نام او ذکر می‌کند.^{۲۷۲}

۵. طحاوی: ابوجعفر احمد بن محمد بن سلامه بن سلمة الأزدی الطحاوی، متولد ۲۳۹ و متوفای ۳۲۱. او از اصحاب ابوحنیفه^{۲۷۳} و صاحب آثار عدیده‌ای از جمله: شرح معانی الآثار، الشفاعة، أحكام القرآن، الاختلاف بین الفقهاء و مناقب أبی حنیفة^{۲۷۴} است و شارح در زمینه فقهی از الاختلاف بین الفقهاء استفاده کرده است.^{۲۷۵}

۶. الخازن: ابوجعفر محمد بن حسین صنعانی معروف به الخازن، متوفای حدود ۴۰۰.^{۲۷۶} صاحب کتاب زیج الصفائح که شارح از مطالب

۴۳۶. از دو کتاب وی در حوزه کلام بهره جسته است: التصفح و شرح الغرریا غرر الأدلة فی أصول الکلام.^{۲۵۱}

۱۰. قشیری: أبوالقاسم عبد الکریم بن هوازن بن عبد الملک النیسابوری الفقیه الشافعی متوفای ۴۴۸.^{۲۵۲} ابن ابی الحدید از نظرات کلامی و عرفانی وی در الرسالة القشیریة اثر مشهور او استفاده کرده است.^{۲۵۳}

۱۱. زمخشری: نسب و آثار وی در بخش منابع تاریخی گذشت. وی صاحب تفسیر الکشاف و ربیع الأبرار و متوفای ۵۳۸^{۲۵۴} است که شارح از این دو کتاب نام برده است. از الکشاف در زمینه تفسیر و کلام^{۲۵۵} و از ربیع الأبرار در زمینه تاریخ^{۲۵۶} استفاده کرده است. شارح در برخی موارد نیز از کتاب وی نامی نیآورده است.^{۲۵۷}

۱۲. ابوالبرکات بن ملکا الطیب: أبو البرکات هبة الله بن علی بن ملکا البلدی البغدادی معروف به أوحده الزمان، متوفای ۵۴۷. ظهیر بیهقی از او به فیلسوف عراقین یاد کرده؛ بنابراین تبحر وی علاوه بر طب، در فلسفه و منطق و... نیز بوده است.^{۲۵۸} شارح معتزلی از یکی از کتب او به نام المعبر فی المنطق در زمینه مطالب فلسفی و منطقی و کلامی نام می‌برد و بهره می‌جوید.^{۲۵۹}

۱۳. ابوجعفر بن قبة: ابوجعفر محمد بن عبد الرحمن ابن قبة الرازی متکلم امامیه از شاگردان ابوالقاسم بلخی صاحب کتاب معروف الانصاف فی الامامة درگذشته به سال ۶۰۰^{۲۶۰} که شارح از همین کتاب یاد کرده است.

۱۴. محمد ابن الهیثم: ابوعبدالله محمد بن الهیثم. طبق گزارش ابن ابی الحدید از مشایخ کرامیه و صاحب کتاب المقالات است؛ ولی نامی از وی در کتب تراجم نیافتیم. شارح از کتاب المقالات وی به نقل مطالب کلامی پرداخته است.^{۲۶۱}

۱۵. ابومحمد بن متویه: چنین نامی در کتب تراجم موجود نیست و کسانی چون علامه مجلسی و دیگران^{۲۶۲} هم از ابن ابی الحدید مطالب وی را نقل کرده‌اند. کتابی که شارح از او نام برده الکفایة فی علم الکلام است.^{۲۶۳}

۲۵۱. التصفح، ج ۳، ص ۲۳۸، ۲۳۶. شرح الغرر، ج ۱، ص ۱۶۹، ج ۴، ص ۱۰، ج ۱۰، ص ۲۱۲، ج ۱۶، ص ۲۴۲، ج ۱۸، صص ۱۱۵، ۲۲۷.
۲۵۲. الکنی و الألقاب، ج ۳، ص ۶۶.
۲۵۳. شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۳۸ و نیز ج ۱۱، ص ۱۴۰.
۲۵۴. الکنی و الألقاب، ج ۲، ص ۲۹۹.
۲۵۵. شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۱۶۳.
۲۵۶. همان، ج ۱، ص ۳۳۴، ج ۶، ص ۲۸۳، ج ۹، ص ۲۸۰.
۲۵۷. همان، ج ۱۸، ص ۲۰۵، ج ۱۹، ص ۵۸.
۲۵۸. الأعلام، ج ۸، ص ۷۴، قتی، ج ۱، ص ۱۹-۲۰.
۲۵۹. شرح نهج البلاغه، ج ۳، صص ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ج ۵، صص ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ج ۶، ص ۲۰۴.
۲۶۰. الکنی و الألقاب، ج ۱، صص ۳۸۲-۳۸۳. معجم المؤلفین، ج ۱۰، ص ۱۴۸.
۲۶۱. همان، ج ۳ و صص ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۶، ج ۵، ص ۱۳۶، ج ۶، ص ۳۷۰، ج ۱۳، ص ۸۳.
۲۶۲. بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۶۹. بهج الصبغة فی شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۶۱۴.
۲۶۳. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸، ج ۶، ص ۳۷۶، ج ۷، ص ۸، ج ۱۳، صص ۳۱۵-۳۱۶.

۲۶۴. فهرست ابن ندیم، ص ۳۴۶.

۲۶۵. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲۶۶. الأعلام، ج ۴، ص ۱۴۰.

۲۶۷. شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۰۶، ج ۱۷، ص ۷۶.

۲۶۸. همان، ج ۴، ص ۱۰۴، ج ۱۸، ص ۲۰۹.

۲۶۹. وفيات الأعیان، ج ۵، ص ۳۰۴. كشف الظنون، ج ۲، ص ۱۲۰۷. الذریعة، ج ۵، ص ۱۳۲، ج ۱۷، ص ۲۶۹، الکنی و الألقاب، ج ۲، ص ۵۱-۵۲.

۲۷۰. شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۳۵.

۲۷۱. فهرست ابن ندیم، ص ۱۶۸. الأعلام، ج ۴، ص ۲۸.

۲۷۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۸۲.

۲۷۳. درجایی شارح در مورد وی می‌نویسد: «قال الطحاوی، من أصحاب أبی حنیفة»، همان، ج ۳، ص ۱۵۰.

۲۷۴. الأعلام، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲۷۵. شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

۲۷۶. الأعلام، ج ۶، ص ۹۸.

در پایان گفتنی است شارح ذیل مسائل فقهی نهج البلاغه در صورت نیاز بحث را گسترش داده و چنان که ملاحظه شد، در زمینه فقهی از چهار کتاب بهره جسته است. در این بین وی از کتب صاحبان مذاهب اربعه سخنی به میان نیاورده؛ اما از اقوال آنان (مالک، ابن حنبل، شافعی، ابوحنیفه)^{۲۹۰} در بسیاری از موارد استفاده کرده است.

نتیجه

۱. شرح نهج البلاغه در جایگاه یکی از مشهورترین شروح بر نهج البلاغه، دارای منابعی غنی و دسته اول است که در این مقاله سعی شد منابع وی به طور کامل ذکر شود. ذکر این نکته ضروری است که برخی از منابع و مصادر محققین را در تجمیع و تکمیل یک منبع یاری می‌کند. همچنین شرح ابن ابی الحدید در گردآوری مطالب بازمانده از کتاب‌هایی چون الغارات ابن هلال ثقفی، وقعة صفین نصرین مزاحم منقری یا السقیفة و فدک ابوبکر جوهری، یکی از مهم‌ترین منابع تطبیق با نسخه‌های امروزی این نوع کتاب‌ها است.

۲. در منابع روایی بیشترین نقل روایات از کتاب الاستیعاب ابن عبد البر اندلسی، صحیحین مسلم و بخاری و نیز کتب ابن قتیبه در بهره‌جویی در غرائب حدیث بوده است و در طرف مقابل کمترین نقل از کتب بیهقی. بیان این نکته ضروری است که نقل روایات توسط ابن ابی الحدید در رد یا اثبات فرضیه‌ها و دیدگاه‌های مختلف، با تکیه بر روحیه اجتهاد محوری و نقادگونه وی صورت گرفته است. شارح در منابع روایی خود بیشتر از الاستیعاب و صحیحین بخاری و مسلم استفاده کرده است و این نشانگر آن است که این کتب در نزد شارح از ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

۳. در منابع تاریخی نیز بیشترین اعتبار و بهره‌جویی شارح از کتب تاریخ طبری، السقیفة ابوبکر جوهری، الغارات ابن هلال ثقفی، وقعة صفین نصرین مزاحم منقری، الکامل میرد، الاغانی و مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی، سیره ابن اسحاق، سیره و مغازی واقدی، الجمل ابومخنف، الموفقیات زبیر بن بکار، انساب الاشراف بلاذری، کتاب‌های ابوعبیده معمر بن مثنی، کتب مدائنی، کتب و اقوال اسکافی و جاحظ بوده است و از میان منابع شنیداری نیز از شیخ شیعی خود ابوجعفر نقیب بیشترین بهره را برده است.

۴. در میان منابع لغوی بهره‌های شارح تقریباً به یک اندازه بوده است. نکته مهم این است که در غالب موارد به اجتهاد خود رجوع کرده و لغات کلام امام (ع) را دریافته است.

نجمی الخازن در دیگر کتابش، یعنی العالمین ذیل کلام ۷۸ بهره جسته و اقوال او را در بحث‌های نجومی پذیرفته است.^{۲۷۷}

۷- ابوریحان بیرونی: متوفای ۴۴۰. از کتاب الآثار الباقية عن القرون الخالية و عن الهند.^{۲۷۸}

۸. ابوالطیب طبری: ابوالطیب طاهر بن عبد الله بن طاهر طبری متولد ۳۴۸ و متوفای ۴۵۰ بوده است. وی که از اعیان شافعیه بوده و مدتی سمت قضاوت داشته آثاری همچون شرح مختصر المزمی، جواب فی السماع والغناء والتعلیقة الکبری را نگاشته و شارح در حوزه فقه از شرح مختصر المزمی استفاده کرده است.^{۲۷۹}

۹. ابن جزلة بغدادی: ابوعلی یحیی بن عیسی متوفای ۴۸۷. شارح از کتاب منهج البیان فیما یستعمله الأنسان با عنوان المنهاج یاد کرده است.^{۲۸۰}

۱۰. شاشی: محمد بن أحمد بن الحسن بن عمر ابوبکر الشاشی الففالی الفارقی، متوفای ۵۰۷. که از کتاب وی حلیة العلماء فی معرفة مذاهب الفقهاء نام می‌برد و از آن در حوزه فقه به نقل مطلب می‌پردازد.^{۲۸۱}

۱۱. حریری: ابومحمد القاسم بن علی بن محمد صاحب کتاب المقامات متوفای ۵۱۶. که شارح در دو مورد از او نام می‌برد.^{۲۸۲}

۱۲. غزالی: ابوحامد محمد بن محمد بن محمد بن أحمد الغزالی، متوفای ۵۲۰. که شارح مدائنی در چند مورد از کتاب مشهور وی احیاء علوم الدین مطلبی تاریخی، فقهی نقل کرده است.^{۲۸۳}

۱۳. قطب راوندی: ابوالحسن سعید بن هبة الله بن الحسن معروف به قطب الدین راوندی متوفای ۵۷۳^{۲۸۷} صاحب منهج البراعة فی شرح نهج البلاغه که شارح معتزلی به وفور در بحث‌های کلامی، تاریخی، لغوی، ادبی^{۲۸۸} و... از او یاد کرده است. البته در غالب موارد اقوال وی را به نقد کشیده است.^{۲۸۹}

۲۷۷. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۰۸.

۲۷۸. الآثار الباقية عن القرون الخالية، ج ۱۰، ص ۱۹۷، ج ۷، ص ۲۰۴. عن الهند، ج ۱۰، ص ۱۹۷.

۲۷۹. الأعلام، ج ۳، ص ۲۲۲، ج ۱۲، ص ۲۸۵، ج ۱۷، ص ۲۳.

۲۸۰. شرح نهج، ج ۱۹، ص ۳۴۵-۳۴۹.

۲۸۱. الأعلام، ج ۵، ص ۳۱۶.

۲۸۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۲۵.

۲۸۳. الکنی والألقاب، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲۸۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۹۷ و نیز ج ۱۸، ص ۱۹۴.

۲۸۵. وفيات الأعیان، ج ۴، ص ۲۱۶. الکنی والألقاب، ج ۲، ص ۴۹۲-۴۹۵.

۲۸۶. شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۵۴، ج ۱۲، ص ۲۸۵، ج ۱۷، ص ۴۳، ج ۱۹، ص ۳۲۶.

۲۸۷. الأعلام، ج ۳، ص ۱۰۴. الکنی والألقاب، ج ۳، ص ۷۲.

۲۸۸. در زمینه کلام: شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۸ تا ۸۹، ج ۳، ص ۲۴۱. در زمینه تاریخ: ج ۱، ص ۱۸۹، ج ۹، صص ۲۴۲ تا ۳۰۸، ج ۱۱، ص ۱۲۴. در زمینه لغت: ج ۱، صص ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۳، ۲۲۳، ۳۰۳، ج ۲، صص ۷۶ تا ۱۶۲، ج ۱۰، ص ۷۶. در زمینه ادبیات: ج ۱۳، صص ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۸، ج ۱۳، صص ۱۸۲، ۱۶۲، ج ۱۶، ص ۷۵.

۲۸۹. همان، ج ۱، صص ۱۱۵، ۱۸۹، ۲۱۰، ج ۱۱، صص ۱۶۱، ۱۶۴، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۷، ج ۱۲، ص ۳.

ج ۱۳، صص ۱۰، ۱۰۳، ۱۱۸، ج ۱۴، ص ۴۸، ج ۱۶، ص ۱۴۹، ج ۱۷، ص ۲۲۶.

۲۹۰. مالک، ج ۱۰، ص ۴۱؛ ج ۱۲، ص ۲۱۸، ۲۸۷. ابن حنبل، ج ۱، ص ۵۲، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

شافعی: ج ۶، ص ۱۴۴، ج ۱۰، ص ۲۵۵، ج ۱۷، ص ۲۵، ج ۱۸، ص ۲۳. ابوحنیفه، ج ۳، ص ۱۴۹، ج ۵، ص ۴۱، ج ۱۰، ص ۲۵۵، ج ۱۴، ص ۱۹۵، ج ۱۷، ص ۲۲.

الصحيفة السجادية؛ امام علي بن الحسين السجاد(ع)، الطبعة الاولى، قم: مطبعة الهادي، ۱۴۱۸ ق.

العذيق التصيد بمصادر ابن ابی الحدید فی شرح نهج البلاغه؛ احمد ربیعی؛ بغداد: مطبعة العاني، ۱۴۰۷ ق.

الغارات؛ ابواسحاق ابراهيم بن محمد ثقفی کوفی؛ تحقیق: جلال الدين حسینی ارموی؛ تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ ش.

الغدير فی الكتاب والسنة والأدب؛ عبد الحسين امینی؛ الطبعة الرابعة، بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۳۹۷ ق.

فهرس أسماء مصنفی الشيعة (معروف به رجال نجاشی)؛ ابوالعباس أحمد بن علي نجاشی؛ تصحيح: سيدموسی شبیری زنجانی؛ قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۷ ق.

الفهرست؛ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی؛ تحقیق: جواد قیومی؛ الطبعة الاولى، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق.

الفهرست؛ محمد بن ابی یعقوب بن ندیم؛ تحقیق: رضا تجدد؛ [بی جا، بی تا].

فوات الوفيات والذیل علیها، محمد بن شاکر کتبی؛ تحقیق: علی محمد بنی عوض الله؛ عادل أحمد عبدالموجود؛ الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمية، ۲۰۰۰ م.

کتابخانه ابن طاوس؛ اتان کلبرگ؛ ترجمه: سیدعلی قرائی و رسول جعفریان؛ قم: نشر کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ ش.

کشف الظنون؛ مصطفی بن عبد الله حاجی خلیفة؛ تحقیق: محمد شرف الدين و رفعت بیلگه الکلیسی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربي، [بی تا].

الکنى واللقاب؛ عباس قمی؛ تقدیم: محمد هادی الأمینی؛ تهران: مکتبه الصدر، [بی تا].

المدخل الى دراسة مصادر الشيرة النبوية والتاريخ الاسلامی؛ سامی بدری؛ الطبعة الثانية، بغداد: دارالفقه للطباعة والنشر، ۱۴۲۷ ق.

مستدرکات علم رجال الحديث؛ علی نمازی شاهرودی؛ طهران: طبع ابن المؤلف، ۱۴۱۲ ق.

المصادر اللغوية عند ابن ابی الحدید علی اکبر قرائی؛ انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی؛ ش ۹، بهار و تابستان ۱۳۸۷.

مصادر نهج البلاغه وأسائده؛ سیدعبدالزهره حسینی خطیب؛ الطبعة الرابعة؛ بیروت: دار الزهراء، ۱۴۰۲ ق.

معجم المؤلفين تراجم مصنفی الكتب العربية؛ عمر کحالة؛ بیروت: دار إحياء التراث العربي و مکتبه المثنی، [بی تا].

معجم رجال الحديث؛ سیدابوالقاسم موسوی خویی؛ الطبعة الخامسة، [بی جا]، ۱۴۱۳ ق.

المفيد من معجم رجال الحديث؛ محمد جواهری؛ الطبعة الثانية، قم: مکتبه المحلاتی، مطبعة العلمية، ۱۴۲۴ ق.

المنمقفی اخبار قريش؛ محمد ابن حبيب بغدادی؛ تحقیق: خورشید احمد فاروق؛ بیروت: عالم الكتب، ۱۴۰۵ ق.

موسوعة مؤلفی الامامية؛ مجمع الفكر الاسلامی؛ الطبعة الاولى، قم: منشورات مجمع الفكر الإسلامی، ۱۴۲۰ ق.

الوافی بالوفیات؛ صلاح الدين خليل صفدی؛ تحقیق: أحمد الأرنؤوط وترکی مصطفی؛ بیروت: دار إحياء التراث، ۱۴۲۰ ق.

وفیات الأعیان وأنباء أبناء الزمان؛ أحمد بن محمد ابن أبی بکر بن خلکان؛ تحقیق: إحسان عباس؛ بیروت: دارصادر، ۱۳۹۷ ق.

۵. شارح در منابع کلامی چنانچه اعتقادات میان فریقین مد نظر باشد، غالباً از اقوال و مناقشات قاضی عبدالجبار و شریف مرتضی استفاده کرده است. اگر درباره مباحث کلی علم کلام باشد، از اقوال ابوهاشم معتزلی و ... استفاده کرده است.

۶. از مهم ترین منابعی که در زمینه های مختلفی بهره برده است، می توان شرح قطب الدین راوندی را بر شمرد که افزون بر وارد کردن نقدهای فراوان به او، از مطالب شرح وی غافل نمانده است.

کتابنامه

الأصنام؛ ابوالمنذر هشام بن محمد کلبی؛ تحقیق: احمد زکی باشا؛ مصر: افست تهران (همراه با ترجمه)، نشر نو، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.

الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین و المستشرقین؛ خیرالدین زرکلی؛ بیروت: دار العلم للملایین، الطبعة الخامسة، ۱۹۸۰ م.

أعيان الشيعة؛ محسن امین؛ تحقیق و تخریج: حسن الأمین؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، [بی تا].

الأنسب؛ أبوسعید عبدالکريم بن محمد بن منصور التميمی السمعاني؛ تحقیق: عبدالرحمن بن يحيى المعلمی اليماني؛ حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية، الطبعة الأولى، ۱۳۸۲ ق.

انساب الأشراف، احمد بن يحيى بن جابر البلاذري؛ تحقیق محمد باقر المحمودی؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ ق.

البدایة و النهایة؛ أبو الفداء اسماعیل ابن کثیر دمشقی؛ بیروت: دار الفكر، ۱۴۰۷ ق.

تاریخ التراث العربی؛ فؤاد سرگین؛ الطبعة الثانية، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، مطبعة إسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.

تذکره الحفاظ؛ محمد بن احمد ذهبی؛ بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۳۷۴ ق.

تهذیب التهذیب؛ احمد بن علی (ابن حجر) عسقلانی؛ الطبعة الاولى، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.

چشمه خورشید (آشنایی با نهج البلاغه)؛ مصطفی دلشاد تهرانی؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۸۲ ش.

الخصال محمد بن علی بن بابویه صدوق؛ تصحیح و تعليق: علی أكبر غفاری؛ قم: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۴۰۳ ق.

الدريعة إلى تصانيف الشيعة؛ محمد محسن منزوی (آقا بزگ طهرانی)؛ بیروت: دارالاضواء، [بی تا].

الرسائل السياسية؛ عمرو بن بحر جاحظ؛ الطبعة الثانية، بیروت: دار و مکتبه هلال، ۱۴۲۳ ق.

السقيفة وفدک؛ ابوبکر أحمد بن عبد العزيز الجوهری؛ تحقیق: محمد هادی امینی؛ الطبعة الثانية، بیروت: شركة الكتبی للطباعة والنشر، ۱۴۱۳ ق.

سير أعلام النبلاء؛ محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: شعيب الأرنؤوط؛ الطبعة التاسعة، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.

شرح نهج البلاغه؛ عزالدین أبی حامد عبدالحمید بن هبة الله؛ ابن أبی الحدید المعتزلی؛ تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم؛ الطبعة الاولى، بیروت: دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۷۸ ق.

شروح نهج البلاغه؛ حسین جمعه عاملی، بیروت: مطبعة الفكر، ۱۴۰۳ ق.